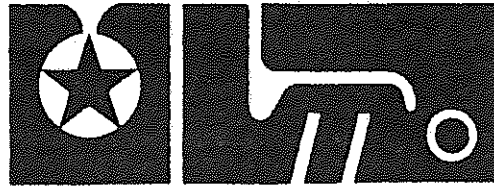


نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و بایگانه داخلیش



اتحاد
مبارزه، پیروزی

دوره، پنجمین سالگرد سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

مصاحبه بایکی از اعضای مرکزیت

صفحه ۲ سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

نرسد کوتاهی نسبت به تبا بایکی از رفقای کار مرکزی سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران مصاحبه کوتاهی پیرامون موقعیت کنونی جنبش انقلابی و سازمان داشته ایم که در این شماره میخواهیم به "میان"

شهادت یک دانشجوی

انقلابی دیگر در هند

جلالین رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور باز جنبش دیگر آفرینند سومین شهید جنبش دانشجویی در خارج از کشور

عمال مزدور رژیم آبرو و بربر صدمت جمهوری اسلامی به دستگیری و اعدامهای روزمره آزادیخواهان و حق طلبان در داخل ایران اکتفا نکرده با گسل مد ها چنان قدر حرفه ای به کشورهای مختلف بخصوص به محیط های عقب بقیه در صفحه ۲۵

دیدگاهها:
طرح متدلوژیک
مرحله انقلاب
نرسد صفحه ۲۳

سرمایه داری وابسته

مروری بر جنبشهای رفیقان درونی در پیشرو

سرمایه داری وابسته ایران (مخض اول)

یکی از ویژگیهای خاص بسط سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم در کشورهای توسعه نیافته عقب ماندگی و فقر هر دوامی است که بر این جوامع مستولی میباشد. ایمن ویژگی یکی از نتایج نفوذ سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه است برخلاف تهرانی که عقب ماندگی در کشورهای توسعه نیافته را جزو ذات حرکت امپریالیسم ارزیابی میکنند لکن اعتقاد ما بر این است که عقب ماندگی بمفهوم یک ویژگی و در همین رابطه ترک از مسئله وابستگی در چهار چوب رشد نیروهای مولده و تحلیل طبقاتی در هر دو سته از جوامع استعمارگر و استعمارزده بررسی شود. همچنین نظام سرمایه داری که در اثر تحولات درونی جامعه در اکثر کشورهای توسعه نیافته مستقر شده است نظامی است که گسترش نظام امپریالیستی از خارج به نظام اجتماعی - اقتصادی کشورهای تحت سلطه تحمیل کرده است به همین جهت این دو - پدیده یعنی تحولات درونی و تحمیل از خارج باید در ارتباط با یکدیگر بطور دیا لکتیکی مطالعه شود.

از دیدگاه ما در تشریح ارتباط بین کشورهای توسعه نیافته و امپریالیسم بقیه در صفحه ۴

لیست پیامهای وسیله پنهان
دومین کنگره سرتاسری
سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
مؤادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
در صفحه ۲۶

ضرورت طرح مسئله زنان در جنبش انقلابی

چگونه از تاریخ بیاموزیم

عقبه سیاست های ارتجاعی و ضد دمکراتیک رژیم جمهوری اسلامی، مسئله زن را به مثابه یک واقعیت اجتماعی در بعدی تاریخی مطرح نموده است. این واقعیت را که در جوامع طبقاتی با سلطه فرهنگ مردسالارانه زن به مثابه کالشی است که ابتدا متعلق به پدر و سپس از آن عوهر است. زن در جنبش جوامعی هویت مستقل اجتماعی نداشته همواره بقیه در صفحه ۱۱

پیام

سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران - آذربایجان

حزب، سازمانها، پیشمرگه های انقلابی و خلق قهرمان کرد

در آستانه لگردی و ریش دیوانه وار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به کردستان قهرمان و به مناسبت مقاومت دلیرانه خلق کرد سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران - آذربایجان بقیه در صفحه ۲۸

اناللهه ارجعنا و انشاءالله نلقاه
انقلابیون ایران و مسئله وابستگی سیاسی
در صفحه آخر

در این شماره:

- آنان سخن برون دادند و سخن حریف
- امتحان بدو لوی و بالمتحلن بداله
- اطیبار
- چرا در این بدجنان های دانشجویمان مسلمان ...
- بخیر جنبش دانشجویی
- سرمهک جوی عالی

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

مصاحبه پایکی از اعضای مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سوال: باتوجه به تغییر و تحولات اخیر منطقه و باتوجه به تشدید تهاجمات و تهمتهای سیاسی - نظامی امپریالیسم، ازبانی شما از توان فوای موجود در فرصه جهانی چگونه است؟

جواب: همانگونه که مینا نقی که مادران زندگسی می گوید، مصرازم باشد که جانشی نظام سرمایه داری در رهناس جهانی، عصر انقلابات پرورش می و صبر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. این عصر، دوران برجستترین تلاطمهای انقلابی در سراسر جهان است. نقطه طغی در تاریخ چندین هزارساله بشریت محسوس است که اینک بهاخته است تا طبق اسارت و بندگی در بین راه بدور افکند و جهان برای همیشه از یوغ مستعمر و استثمار نظام طبقاتی و سروریت مایوتها انسان نجات یابد. اما روشن است که طبقات مستکرمه با سواران نظامهای طبقاتی، در سرتاسر تاریخ بشریت هیچگاه در برابر سیر پیشرونده تاریخ و طبقات باانده اجنطی به آسانی تسلیم نشد و با چنگ و دندان کوشید مانند از ضایع و اضیارات خود دفاع کند، و هر چند سرتاجا در زیر چرخهای نیرومند تاریخ نتوانستند به حیات خود ادامه دهند در هم شکستند، اما با همه توان از ضایع و تضیارات خود دفاع کردند. امروز نیز بیروزی به عنوان یک طبقه ارتجاعی در برابر طبقه باانده تاریخ یعنی پروتساریا و سیر پیشرونده تاریخ سوسیالیسم و کورنیسم ایستاده است. تحولاتی که طی بیش از نیم قرن گذشته در سطح جهان صورت گرفته است هر چند که بخشی از جهان این طیف از حریف قدرت برز افکند است، اما در آنجایی که هنوز قدرت را در دست دارد همانند مار زخم خورده به خود می پیچد و با تمام قوا تلاش می کند به حیات خود ادامه دهد.

نظامی که بیروزی از آن پاسداری می کند و امروز در قالب اردوگاه امپریالیسم در مقابل نیروهای شرقی تاریخ ایستاد است نظامی سراسر باکته به و در حال تلاش است. امپریالیسم، پایک بحران اجنطی زمین رو بر سر و بنا به تضاد های ذاتی و همیشه است با ارتجاعی ترین شیوهها علیه بشریت می زند. امپریالیسم راه و چاره ای ندارد جز آنکه برای حیات خود تمام امکانات را به سوی خود متمرکز نماید تا پای اقتصاد خود را ملهتا نیز کند، جنگ افروزی نماید، برای برافروختن یک جنگدارک بپزند، علیه پروتساریا و توده های زحمتکش کشورهای سرمایه داری به تیر و سرکوب حوسل گردد، و در برابر جنبش های رها بخش خلق های سراسر جهان مستقیم و غیر مستقیم بد اخله کند. اما با این

وجود خدام از نیروی توان آن گشته اند. امپریالیسم اینجا و آنجا بطور قطعی تلاش نموده است دست به تعرض علیه نیروهای انقلابی جهان بزند، اما در کلیت خود خدام واداره طب نشانی می گردد. هم اکنون بغیر از کشورهای که بطور قطع از اردوگاه امپریالیسم جدا شده به سوی سوسیالیسم گام نهاده اند، در سراسر آسیا، آفریقا، امریکا و اروپا جازه علیه امپریالیسم در تمام جبهه ها ادامه دارد. امریکای لاتین هم اکنون کانون حادث ترین نبرد علیه امپریالیسم و سررسته راهزستانه جهانی، امپریالیسم آمریکا است. در السالوادور کواتالا شای و... این جازه به ندری تعیین گشته نزدیک می گردد. در آسیا و امریکای لاتین این جازه در اشکال گوناگون بروز اشکال سلحانه ادامه دارد و نزدیک نیست که طریقه تمام تلاش های که امپریالیسم برای حفظ و بقای خود بکار می گیرد، سرتاجا به طور مطلق خواهد افتاد.

این واقعیت است که امپریالیسم و سوسیالیسم در منطقه خاور میانه دست به حوسل آخرین تمیذات زدند و این منطقه جولا نگاه ارتجاع شده است. تحولاتی که اخیراً در خاور میانه برپا شده است، توازن سیاسی را در منطقه به نفع امپریالیسم و ارتجاع منطقه برهم زد. این امر نتیجه ضعیفهای خود جنبش های رها بخش منطقه و سیاست های است که سالها در این منطقه اعمال شده است. فقدان رهبری طبقه کارگر، فقدان خطوطی کلاسیک انقلابی و سرتاجا ناپدید شدن جملت های روشی است که سبب تضعیف جنبش در منطقه گردید. در چنین شرایطی، سیاست تعرضی رگان در منطقه به مرحله اجرا در می آید. و جنگ دولت های ایران و عراق و سرتاجا دست دوم جنگ از سوی رژیم جمهوری اسلامی کلاسیک در خدمت مصلحت امپریالیسم و توسعه طغی های سوسیالیسم قرار می گیرد. امپریالیسم و سوسیالیسم که جز جنبش فلسطین در مقابل خود یک جنبش نیرومند انقلابی را در منطقه نمی یابد، نه کوشیدند تا با امان رخن به این جنگ، یک تجزیه گانه در طرف اعراب به بد آورند و انگار موسی را از مسئله فلسطین منحرف سازند. با اتخاذ این سیاست، امپریالیسم نتیجه تنها برد اغلات خود در منطقه افزود بلکه بیشتر برای حمله به لبنان و جنبش فلسطین فراهم کرد. اکنون با بد این واقعیت راپه یرفت که جنبش فلسطین در سطح کوشی با یک عقب نشینی روبرو شده است. شک نیست که این جنبش با یک سلسله تحولات سیاسی انقلابی در منطقه می تواند موقعیت برتری به دست آورد.

سوال: وضعیت حاکم بر ایران و چشم انداز تحول آنرا چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: بیش از یکسال است که رژیم جمهوری اسلامی حکومت نظامی اعلام شده و با هر مرحله عمل در آمده و آشکارا حکومت سرنیزه را در دست پرور قرار داده است. این امر از کجا ناشی می شود؟ از بحران روزی که رژیم با آن روبرو است. از بی اعتمادی توده های مردم به حکومت از رشد نا رضایتی توده ها و بالاخره از این واقعیت که دیگر برای رژیم هیچ راه و چاره ای برای ادامه حیات باقی نمانده است. جز اینکه هزاران تن را برونزدت انبساط کند و هر روز درها انقلابی راه جوته اند. امپریالیسم و تروریسم میان و اضرا کوشیده راه شهرهای بزرگ نظیر تهران حاکم گرداند. همین تهران را در نظر گرفته به همه تمام خباثنهای شهر که سوتی با دستهای پاسداران سلاح روبرو می شود، بر سر چهار راه ایستاد مانند ماشین های در حال صیرا تخش می کند و یاد رکوشای کمین کرده ها برین را از نظریه گردانند. بنابراین تنها همین وضعیت نشان دهنده کوشای از اضیاع سیاسی حاکم بر ایران است. چرا که اگر رژیم از اندک شای برخوردار بود، در زمان توده های مردم دارای حیثیت بود، حتی برای حفظ ظاهر مسئله هم که شده میبایستی از این سیاست دست بردارد. رژیم پس از ۳۰۰۰ خرداد، یکجمله تروریسم مریان حوسل شد، البته تصور می کرد که با سرکوب و اغتایبای دست جمعی و انباشته کردن زندانیان از انقلابیین، انحراف کارگران پیشرو از کارخانه ها و اختسای و سرکوب قادر است نا وضایبسی موی را مهار کند، اما گذشت زمان نشان داد که دست گنجهت سرکوب و اغتایب نتوانسته است رژیم را از وضایب که با آن روبرو است نجات بکند، بلکه تمام حوسل آن به ضعف و تزلزل بیشتر گردانیده است. چرا که این رژیم با تعداد های لا یخلسی روبرو است که تمام آنرا به طره سقوط نزدیک تری کشد و اغتایب آن به دلایل کلاسیکی اقتصادی و سیاسی بساز می گردد. با در تازین چند ساله اخیر شاهد بودیم که هر چند دیکتاتوری و سرکوب نمی تواند به تنهایی موجب پایداری رژیم سیاسی گردد، اما حوسل شدن این سرکوب با یک سلسله ضرر های اقتصادی و سیاسی، نتوانست است به مدت چندین سال رژیم های ارتجاعی را از سرنگونی نجات دهد. اما در مورد رژیم جمهوری اسلامی چه؟ رژیمی که با یک اقتصاد بگلی طغ و بحرانی رو بر سر و بحرانی که بطور مداوم زور خورده است و از بقیه در صحنه ۲



مدرسی برجسته‌نگینی و بین‌جزنی در تشریح

مسئله داری وابسته ایراک

بخش اول

بنده از مفسر
تئوری وابستگی

مطروحه از سوی تئوریسین‌های
Dependency School در طی ۲۰
سال گذشته علیرغم موفقیت‌هایی در مورد
تجزای بورژوازی Dualistic, Difunctionalist
نا مکنی بوده و ناری‌ها اعتبارات اصولی
می‌یابد. زیرا این تئوری در مجموع بدون
بررسی طبقات در کشورهای تحت‌سلطه
تاکید را بر روی میاندلی بین کشورهای
میگذارد و استخراج ارزش‌افزایی از جوامع
عقب مانده و سیر آن به جوامع پیشرفته
سرمايه داری را آفریننده توسعه نیا فتگی
نسبی کشورهای تحت‌سلطه می‌نماید. ما قبول
داریم که سرمايه گذاری خارجی آهنگ‌رشد
سرمايه داری در کشورهای توسعه نیافته را
کند کرده و جهت‌انرا تغییر می‌دهد. (هر
چند که بعد سریع توسعه سرمايه داری در -
برخی از کشورهای تحت‌سلطه قابل ملاحظه
است) ولی بطور کلی انتقادات وارده به
بنیادی Dependency School را درست
ارزیابی نمیکنیم.

مقایسه ای از این انتقادات با طرح
رفیق جزنی از مقوله سرمايه داری وابسته در
ایران ضروری میبینیم.

ما مقوله سرمايه داری وابسته مطروحه
از سوی رفیق جزنی را در اساس درست
ارزیابی نمیکنیم و اعتقاد داریم که رفیق
ویژگیهای رشد سرمايه داری تحت‌سلطه
امپریالیسم در کشورهای توسعه نیافته را
با برداشت عینی از این پدیده در ایران
ارزیابی کرده است. اهدافی از طرح این
مقوله معضله "تفریح رشد کفلی و کمی -
نیروهای مولده و مبارزه طبقاتی در ایران
بوده است بدین معنی که او به مسئله
عقب ماندگی در کشورهای تحت‌سلطه و از جمله
ایران با توجه به تحلیل اتحاد طبقاتی
پاسخ داده است و زمینه‌های معضله را
تحت عنوان حطت‌های سرمايه داری وابسته
ایران برای ما جهت بررسی بهیتر بازگذاشته
است از اینرو تمایز طرح واژه سرمايه -
داری وابسته از سوی جزنی با بکارگیری
این واژه از سوی مثلاً ملی گرایان و
تغایر آن با بنیادی Dependency School
در غرب و آمریکا ی لاین عمدتاً
تغایر لفظی مییابد. اساساً واژه "برخورد
رفیق جزنی به این مقوله را علیرغم سترسی
او به منابع در زندان اکنون میتوان با
راستی درست بهیتر گفت و شنودها در -
این باره در سطح بین المللی قابل تطبیق

ارزیابی کرد.
بمبارت دیگر آثار جزنی در زمینه تحلیل
از سرمايه داری وابسته ایران ستاوردی
در خدمت تدوین تئوری وابستگی در سطح
بین المللی است ستاوردی که در جهت
تکمیل آن باید میخانه کوشش کرد.

ما معتقدیم که واژه سرمايه داری -
وابسته ایران خاصه از سوی ملی گرایان
با نظر سوژه غلط تصریح توجیه و تفریح
نده است همچنین از نظر لفظی نیز ترجمه
تحت اللفظی آن یعنی Dependency
Capitalism که با تور بنیادی
School است در چندین عرایطی است
که نویسندگان نظم نوین عماره ۴ بدون
برخوردی اصولی به مقوله وابستگی استفاده
از واژه سرمايه داری وابسته را نقیصه
میکنند و این در حالی است که خود در نظم
نوین عماره های ۲ و ۳ بکارگیری آنرا
قبول دارند. بنا بر این سؤال ما اینست
که چرا بجای تشریح بهیتر اصولی این
واژه که در ادبیات انقلابی ایران میتوان
گویای واقعت تحت‌سلطه امپریالیسم بودن
رشد سرمايه داری در کشورهای توسعه نیافته
با عده اکنون صرفاً "ملت استفاده نادرست
از مفهوم آن در ایران و تلویحاً در اثر
فشار بین المللی از بکارگیری واژه درست
سرمايه داری وابسته در جنبش انقلابی
ایران خودداری کنیم؟ واقعت این است که
تاکنون هیچ نیروی در ایران جنبش کمونیستی
انقلابی ایران این واژه را (حتی بعضی‌ها
علیرغم برخوردشان به جزنی) بکار نرنگاشته
اند و تا زمانیکه دلایل قانع کننده‌ای چه
از نظر محتوی تئوریک و چه لفظی از سوی
نیروهای انقلابی ایران در عدم استفاده از
این واژه مطرح نشود طرد مفهوم سرمايه -
داری وابسته از طرف نویسندگان نظم نوین
عماره ۴ تنها یک "توبین گزاشی" انحرافی
است و نه چیزی بهیتر از آن.
رفیق جزنی در سال ۱۳۵۴ ضمن ارائه
جمع بندی‌اش از مبارزات سه دهه "مماسر
ایران استقرار یک نظام تولیدی را با زیر
بنای اجتماعی - اقتصادی و روبنای سیاسی
و فرهنگی معینی از اواسط دهه ۱۳۵۰ بیمد
در جامعه ایران نمود و برای اولین بار
آنها تحت عنوان فرماسیون جدید بنام
سرمايه داری وابسته تفریح کرد. در مقایسه
با فرماسیونهای اجتماعی - اقتصادی تاریخی
جزنی این فرماسیون جدید را فرماسیون
ناپایدار و در حال گذار میبیند که تحت
تأثیر روابط نو استعماری جهان در نقاط

استعمارزده‌ای مثل ایران در فاصله
فرماسیون تاریخی فتوالیسم تا سوسیالیسم
ظاهر عده است او بحث خود را از پدیده -
نو استعمار شروع میکند و از ترون تحول در
رابطه نو استعماری است که او برسد
سرمايه داری وابسته را در بعضی از جوامع
استعمارزده مثل ایران اجتناب ناپذیر
میبیند.

جزنی استعمار نو را بمثابه "تکامل
یافته ترین رابطه" بین جامعه استعمارگر
و جامعه استعمارزده می‌نماید که حاصل
پروسه‌های تکاملی اجتماعی و اقتصادی
در هر دو هسته از جوامع مترویل و کلنی
میباشد. یعنی از دیدگاه او بدون طرح
عرایط اجتماعی - اقتصادی در کلنی به هیچ
وجه نمیتوان به تفریح عرایط و عوامل نو -
استعمار در مترویل پرداخت جزنی بوضوح
میگوید که استقرار روابط بین مترویل
و کلنی هر دو جامعه پذیرنده‌های هم -
بسته ای را موجب گفته است "جزنی میگوید
که برای مطالعه این پدیده باید از بررسی
عرایط در هر دو جامعه شروع کرد. یعنی
از "عرایط اجتماعی - اقتصادی که موجب
تحقق نو استعمار در جامعه تحت‌سلطه عد و
عرایطی که در کشورهای مترویل استقرار
روابط نو استعماری را در جهان ضروری ساخته
است" باید شروع کرد. جزنی خود قسمی در -
این راه برمیگردد. تکامل تحولت رابطه
مترویل از مرحله استعماری تا مرحله نو
استعماری و رشد سرمايه داری وابسته از
تروین این تحولت را از دیدگاه جزنی میتوان
بطور خلاصه بصورت جدول زیر در آورد. جزنی
رشد بورژوازی و طبقه کارگر در کشور تحت
سلطه که منجر به رشد جنبش‌های رها می‌شود
عد را اولین عامل اساسی در لزوم دگرگونی
در روابط استعماری می‌داند.

اولین ویژگی عمده سرمايه داری وابسته
ایران:
رفیق جزنی نقش بورژوازی کهنرا دور را
در جامعه بمثابه "طبقه حاکم در نظام
سرمايه داری وابسته ایران تحلیل می‌دهد.
او استقرار سیستم سرمايه داری وابسته را
بمعنی حاکمیت سیاسی بورژوازی کهنرا دور
می‌نماید و طرح میکند که این بورژوازی
توانایی سازمانی اداری و نظامی
بهیترفته را دارد و از این طریق در نظام
استعماری دگرگون یافته امپریالیسم عمل
میکند. جزنی در ۵ فقره که در ارتباط با
یکدیگر بوده و مجموعاً "مصرف یک طبقه
هستند" بعد و حاکمیت بورژوازی کهنرا دور
در ایران را تفریح میکند:





بقیه از صفحه ۴

۱- بورژوازی کمبراد دور تجاری

بورژوازی کمبراد دور تجاری بهار قدیمی است و از نظر تاریخی اول به طور نارسی فقط در جنبه های پروکراتیک و تجاری رشد کرده بود ولی بعداً با رشد این قشر از بیرون آن سه قشر نسبتاً جدید بورژوازی کمبراد دور یعنی صنعتی، مالی و کما و رزی بیرون آمد. اکنون بورژوازی تجاری در بازگانی خارجی وارد کننده کالاها، مصرفی خارجی و انصار فروش و توزیع این کالاها را در داخل نمایندگی میکند. در بخش بازرگانی داخلی فروش کالاها و وارداتی و محصولات صنایع وابسته و توزیع آن در سطح کل بازار را بعهده دارد. بورژوازی تجاری از نظر تاریخی با سرمایه گذاری در صنایع وابسته مصرفی بورژوازی صنعتی، با شریک شدن با سرمایه های خارجی و تأسیس بانکها و بیمه ها بورژوازی مالی هم بالاخره با ایجاد مزارع مسکن نیزه و واحدهای نامبروری و کشت و صنعت، بورژوازی کشاورزی را بوجود آورد. ولی رشد بورژوازی صنعتی فعالیت بورژوازی تجاری را در زمینه واردات محدود ساخت و این بورژوازی همچنین در بازار داخلی با بورژوازی ملی رقابت نداشت. جزئی با مراجعه به آمار به این نتیجه میرسد که بورژوازی کمبراد دور بالنتیبه در زمینه واردات مصرفی خارجی اسکان رشد را از دست داده است ولی برخی در بخش توزیع کالاها تولید شده توسط صنایع وابسته و ورود سرمایه های بزرگ به سیستم خرده فروش از طریق ایجاد شرکتها و فروشگاههای بزرگ و فروشگاههای زنجیره ای در بازار داخلی و همچنین در بخش خدمات (هتل - ناری آموزش و پرورش بهداشت - حمل و نقل - مستغلات ناری) میدان وسیعی برای رشد و سرمایه گذاری پیدا کرده است. مشاهده دیگر رفیق جزئی در مورد نقش انکارناپذیری است که بورژوازی کمبراد دور تجاری در تشکیل جامعه اقلیت مصرف کننده (که بعداً از آن بعنوان چهارمین ویژگی سیستم جهانی صحبت میکند) - ایران یابد.

۲- بورژوازی کمبراد دور صنعتی

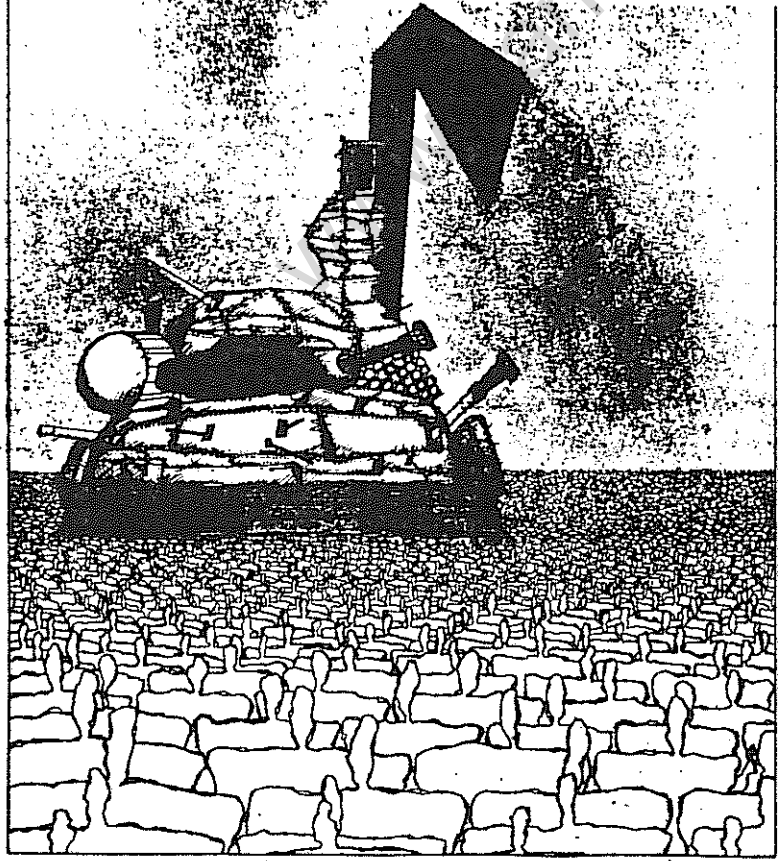
بورژوازی کمبراد دور صنعتی در دو رشته اساسی صنایع مصرفی و استخراج معادن (بخصوص در زمینه اول) فعالیت دارد و در طی یک دهه از هر قشر دیگر بورژوازی بیشتر رشد کرده است. در صنایع غذایی با بافندگی و هوماک مدار سازی و لوازم آرایشی و بهداشت نفیاز کاری و لوازم خانگی و بالاخره وسایل نقلیه - تشکیل جامعه اقلیت مصرف کننده نیز سود کلانی را نصیب بورژوازی کمبراد دور صنعتی کرده است. وابستگی این بخش نه به دلیل سرمایه گذاری از سوی خارج است که در بعضی موارد شریک

خارجی هم سهم است بلکه در عین حالی که در وجه عام از نظر سرمایه با وام گرفتن و اعتبار بطور غیر مستقیم به سرمایه بین الملل وابسته است ولی موارد دیگر وابستگی در مرحله سرمایه گذاری و تأسیس صنایع عبارتست از وابستگی از طریق ماشین آلات و وابستگی فنی با تکنولوژیست و در مرحله ورود کالاها مورد مصرف این صنایع موارد وابستگی عبارتند از:

اجزاء و قسمتهایی که باید در ایران مونتاژ شده کالاها واسطه و مواد اولیه که مستقیماً از خارج وارد میشود و بالاخره کالاها که در تأسیسات صنعتی دیگر بطریق وابستگی تهیه شده و در یک صنعت دیگر بکار میرود. ضمناً باید پرداخت حق الامتیاز به صنایع خارجی را در استفاده از فرموله های سیستم های تولید و نام و مارک کارخانه های خارجی را نیز به لیست وابستگی افزود. بنظر جزئی دولت با به عهده گرفتن سرمایه گذاری در بخش صنایع سنگین بار سنگینی را از دوش بورژوازی صنعتی بر میدارد ولی در نهایت بهره برداری از این صنایع را به بخش خصوصی چه داخلی و خارجی واگذار میکنند. بورژوازی صنعتی از امکانات فراوانی از سوی بورژوازی مالی و دولت برخوردار است و با اختصاص تولید کالاها ساده در ایران این بورژوازی امکان رشد فوق العاده دارد. رشد بورژوازی کمبراد دور صنعتی اثرات منفی بر

روی بورژوازی کوچک و بیسته وران که مشغول تولید کالاها مصرفی یا سیستم کارگاهی خود میباشند میگذارد. البته در بررسی های سیستم های کارگاهی مادامی که تمام بازار باغفال کمبراد دور در نیاید سنگرهای اول را ترک کردند و بقول جزئی "به سنگرهای که هنوز مورد هجوم قرار نگرفته بود پناهنده شدند و تحت چنین پرده های هر مرحله"

عقب نشینی عده زیادی سرمایه خود را از دست دادند و به اردوی کار پیوستند و به نظر جزئی این تهاجم لاینقطع ادامه دارد. جزئی پیش بینی میکند که این پروسه هر یک دوره نسبتاً طولانی قشرهای پیشرو کاسبکار و سپس بورژوازی کوچک را ناپسود میازد و بورژوازی صنعتی و تجاری به اوج رشد خود میرسند. جزئی میگوید در قبال زوال این قشرها طبقه کارگر و قشرهای دیگری از خرده بورژوازی رشد میکنند و جزئی تشدید تضاد قشرهای در حال زوال خرده بورژوازی را با بورژوازی کمبراد دور بموازات رشد سرمایه ناری وابسته میبیند. پیش بینی رفیق جزئی این قشر از خرده بورژوازی (در حال زوال) را بنظر با اینکه تحت فشار هستند در مبارزه با سیستم تازه مستقر شده بالفعل تر میبیند. او میگوید: "اگر طبقه کارگر کارمندان و دیگر حقوق بگیران در حال رشد برای بیباختن در برابر سیستم جدید منتظر آغاز بحران های اقتصادی این سیستم میمانند بقیه در صفحه ۹"



درگیری خونین

بیش از ۳۰۰ نفر از مردم آمریکا با پلیس

روز ۲۷ نوامبر با پمخت آمریکا ناهمد یکی از وسیع ترین و رزمنده ترین تظاهرات طعمه نواد پرستان بود. در این روز گروه فوق ارتجاعی کوکلوکسکلان معروف به KKK شبه تصویب لایحه ای در پارلمان آمریکا ۲۴ تظاهرات کرده بود. بر اساس این لایحه تمام کارگران مهاجر غیرقانونی (که اکثر آنها رنگین پوست و از کشورهای فقیر آمریکا یعنی مکزیک) که قبل از سال ۱۹۷۷ وارد آمریکا شده اند مورد عفو قرار میگیرند. البته در حال حاضر لایحه مذکور سلب است.

این گروه که سیاست قتل و کفتار است یک گروه غیرقانونی بعبار میروود. اما دولت آمریکا که مدعی تمدن و حقوق بشر میباشد به بهانه رعایت اولین ماه قانون اساسی این کشور که حاوی رعایت "آزادی بیان" و "آزادی تشکلات" است به این گروه آدمکن اجازه فعالیت میدهد و وزارت "فاند گتری" آمریکا به پلیس واغنگتن دستور حفاظت از تظاهرات KKK را داد. گروههای مترقی نیز در افتای داروسته KKK و در اعتراض به مجاز شمردن فعالیت های



هدف اصلی گروه KKK بیرون راندن و کفتار سیاه پوستها و سایر اقلیت های رنگین پوست از آمریکاست. این گروه را که بنابه یک جوهره کتار عمل میکند - میتوان به جوهره های مرگ هیترله یا سیاه جامگان مسولینی و یا فالانهای مسیحی در لبنان تشبیه نمود. گردانندگان این گروه چنانکه خود نیز اظهار مینارند خدمتگزاران چنان بر کف بورژوازی میباشدند و همواره مردم محروم و ستمدیده و کارگران را به مبارزه میطلبند. حتی ناشره المعارف بریتانیا که نظریات جناح محافظه کار امپریالیستها را منبکی سازد KKK را یک گروه مغفی و تروریست میخواند. دست این گروه به خون ده ها هزار سیاه پوست آغشته است همین سه سال پیش بود که آنان با همکاری "نازیها" پنج نفر را در کارولینای شمالی در مقابل دوربین تلویزیون کشتند. طبق قوانین بین المللی

آنان از طرف دولت اعلام تظاهرات نمودند علیرغم اینکه پلیس اجازه تظاهرات به مخالفین KKK را نداد. با همکاری صد گروه سیاسی بجز از ۳۰۰۰ نفر در مقابل تظاهرات اجتماع نمودند. پلیس تظاهرات را کمتر از ۲۰۰ نفری KKK را بعدت محافظت مینمود. مردم عمار "مرگ بر KKK" و خطاب به پلیس عمار "اونیفرمهای آبی تان را بر بیاورد و ملایه های سفید تان را بپوشند" را تکرار میسکردند. پلیس به کمک گاز اشک آور و گاز فلئورسی در متفرق کردن تظاهرکنندگان را ناغیت که با پرتاب آجره چوب و غیره عالی از طرف مردم مواجهه نمود. تظاهرکنندگان شیشه های طبقه اول یک بانک و تریای پارک محصل تظاهرات و چند ساختمان دیگر را شکستند. سه ماهین پلیس را نیز واژگون کردند. اعضای KKK در ماهینهای پلیس از محصل تظاهرات فراری شدند حتی شهر واغنگتن را

نیز ترک نمودند. پلیس در عرض چند ساعتی که تظاهرات ادامه داشت چندین بار به صف تظاهرکنندگان حمله کرد و هر بار با عمار "مردم متحد مرکز شکست خواهند خورد" روبرو شده و بالاخره هم تظاهرات با موفقیت و بهروزی نیروهای مترقی و مردمی و شکست پلیس و KKK پایان یافت از جمله گروههای اصلی هدایت کننده این تظاهرات کنگره تمام غلظها (APC)، حزب جهانی کارگران (WUP) و لاین آ و مارچ (Line of March) بود. بسیاری از گروهها و نیروهای مترقی بین المللی نیز با این تظاهرات ابراز همبستگی کردند از جمله جبهه فاراباندومارتسی (FALAN) و حسن رحمان مسئول مرکز اطلاعاتی فلسطین در واغنگتن.

این تظاهرات وسیع قهرآمیز و موفق را باید با شرایط کنونی جامعه آمریکا و در متن بحران اقتصادی که امبرالیسم - آمریکا را فرا گرفته است مورد ملاحظه قرار داد. وجود ۲۶۰ بیکاری در بین جوانان سیاه پوست واغنگتن و ناراضی مردم آمریکا در قبایل سیاست های نژادپرستانه جنگ طلبانه و میلیتاریستی رنگان زمین را برای گسترش چنین حرکات اعتراضی فراهم کرده است و بسیاری روزنامه های مهم بسوززوازی آمریکا نیز با چاپ شرح و تفسیر مفصل از این تظاهرات از آن بمنابزه رنگ خطری برای عورش های وسیع تر خلیا با نی اسم برده اند.



شهادت

بقیه از صفحه ۲۵
در تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۸۲ تن از دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در مجلس اقامت یکی از اعضای پارلمان هند دست به یک اعتصاب غذای نامحدود زدند. این اعتصاب غذا نیز در رابطه با عبادت امین راهتان و بمنظور اعتراض علیه چنانچه پتکاران ما در این رژیم سوزت گرفتند. آکسیون فوق در تاریخ ۲۸/۱۰/۸۲ با موفقیت پایان پذیرفت.



بسته از ملحه ۷ مصاحبه با یکی از اعضای مرکزیت

شعبه موردی می توان میهنکوی آنها را نسبت به محمولات جاری مثال زد. پس از ۱۷ ماه تأخیر در انتشار ارگان رسمی - شان «خبر» در خارج از کشورها انتشار مجدد نشریه «مجاهد» گردانند. در طی این مدت طولانی، فعالیت‌های این سازمان در درون کشور به بدین انجاما کوچکترین حرکت آگاهانه و مضمون‌شیر و درگیری‌های مسلمانانه بسود است. اکنون نیز کظا هرا به ضرورت بکارگیری اشکال دیگری از مبارزه واقع شده‌اند. برای توجیه سکوت طولانی مدت خود بعضی اهداف انقلابی سازمان‌های مبارز و به سر سازمان‌ها دست زد‌اند. آنها به این حرکت توجه نکرده‌اند که نشریه «نگار» در شرایط حفظان با هم‌انداز - پیوسته در ادو مهمی سنگینی تاکنون متشوشه‌است. در حالیکه آنها به‌عنوان جزیره در ان‌نوا نحرالی شعر در این اقدام مبارک و بزرگ‌اند. در شرایط کنونی‌های انقلابی و اخبار مختلف مردم علیه رژیم کوب و وحشت و سرکوب‌کننده همچنان زیر فشار ارتجاع طاقت می‌روزند و آنها سعی دارند و نمود کنند که هیچ نیرویی جز مجاهدین خلیج فارس مبارز جدی نمی‌کند. آنها در همین اولین شماره‌ها شروع نیزه این شیوه وجود خود را بسط داد‌اند. از رخ تبیین - ای که فعالیت‌های سازمان مجاهدین را بر سرشته می‌کند شروع می‌کند و به‌توانی سازمان‌های دیگر آشتی ناپذیری خودشان سخن را تمام می‌کنند!!

به‌اختلاف ما، نفع‌ها این شیوه بر خورد نمی‌تواند کسی به حل مسائل جنبش و پیشبرد امر انقلاب بکند. بلکه باید در مقابل نوبه‌های مردم هم پاسخگو باشد. سازمان ما به‌مثابه بخشی از نماینده طبقه کارگر، به‌مثابه سازمانی کلی با هم‌امری توانسته است نظم نظرات خود را بگیرد و در میان مردم ترویج کند و بنا به ضرورت شرایط سیاسی در هر کجا شیوه خاص مبارزه سیاسی و نظامی را اعمال نماید. به‌عنوان سازمان سراسری داکرکیمت - لنهیت ایران و وظیفه خود می‌داند که احساس مسئولیت و درک از قطع کنونی تلاش‌گسترده خود را جهت تحقق اهداف این مرحله از انقلاب طامانه دنبال نماید. مجاهدین خلیج چنانچه حقیقتاً در حرکات و انقلابی هستند، باید از ائتلاف با لیبرال‌ها دست بردارند و برنامه‌های برابری که منافع افشاری را که مجاهدین خلیج ایران نمایندگی می‌کند، تأمین نماید. مجاهدین خلیج اگر حقیقتاً در حرکات هستند و از مرکزیت دفاع می‌کنند، باید برنامه‌های برابری که در آن خرد کردن ماشین دولتی، انحلال اوترو بوروکراسی در رأس آن قرار گرفته باشد، چرا که نمی‌توانند مرکزیت را بر داشت و در همان حال خواهان حفظ دستگاه

بوروکراتیک موجود بود. نمی‌توان به‌دورکراسی باور داشت و در همان حال از موجودیت این شیوه خلیج دفاع کرد. ما باید بگویم سازمان مجاهدین خلیج ایران به عنوان یک سازمان انقلابی با آرزوی چشم که ضروری است با دروس گیری از تجربیات یکسال و نیم گذشته در موضوع خود تجدید نظر کند و باطرد لیبرال‌ها، بند برش تاکیکیا و صحن تودهای به‌مثابه تاکیکه عده به شرایط کنونی و بند برش برنامه عمل انقلابی به‌مثابه منای اتحاد نیروهای انقلابی گامی عملی و مثبت در جهت سرنگونی رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی بردارند.

سوال: همانطور که مطلع بود فضای فعالیت و جو خارج از کشور نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر شرایط ایران مشخص یافته است. به‌رمان این وضعیت و وظایف هم‌سواران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران، نظرتان چیست؟
جواب: ما پیش از این گفتیم که مبارزین خلیج هوادار در خارج از کشور بخشی از مبارزین خلیج ایران علیه رژیم ارتجاعی حاکم محسوب می‌شود. رفتاری هوادار سازمان مجاهدین خود در زمینه‌های سیاسی - عملی باشد یا راه دهند. اگر تاکنون سازمان توانسته‌است به‌عنوان مختلف از انرژی عظیم رفتاری هوادار در خارج از کشور در خدمت اهداف انقلاب استفاده کند، اینکه سازمان تصمیم گرفته است این نص را بر طرف کند و در همین زمینه نیز تدابیری اتخاذ کرده است و فعالیت جدیدی را در جهت سازماندهی تشکیلات خارج از کشور آغاز نموده است.

اشیاء بین المللی بسته از ملحه ۲۱

فیلیپین
فرمانده ارتش فیلیپین در مصاحبه‌ای گفت که تنها خطری که فیلیپین را تهدید میکند کمونیست‌ها هستند. وی گفت غلبه رژیم مبارزه شدید دولت با این جریان با امروزه کمونیست‌های فیلیپین هنوز به عنوان یک خطر بالقوه وجود دارند. از طرف دیگر یکی از روزنامه‌های فیلیپین نوشت که کمونیست‌ها در سال گذشته ۲۰۰ نظامی و غیر نظامی را که در عملیات سرکوب آنان شرکت داشته‌اند به‌هلاکت رسانیده‌اند.

● رژیم جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد خاتمه جنگ را برای سومین بار رد نمود.



لرناوری، آگانی و ایالتی و انتشار نشریه «زبان جوان» به‌عنوان ماهیسی و انگلیسی و کلیت فعالیت‌های مبارزاتی در سطح خارج از کشور، اهداف ارتزده بود و مستند. ما بر کپ‌های فعالیت‌ها و تلاش‌ها این می‌نیم و از هر کس می‌خواهیم که ضمن استحکام گسترده صفوف خود فعالیت‌های خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی ضد بر سر نمایند و افکار عمومی جهان را علیه این رژیم ضد بشری تعیینی، علیه اهدافی از رژیم در بخت‌ناوری و سرکوب و اختناق حاکم بر ایران، بسج کنند.

الته‌صطت بالاگرفتن جو اختناق در ایران، عناصر مختلفی از ایران خارج شده‌اند که هر کدام حاظر نظرات خود در باره رژیم حاکم، حاضر یاس و نومیدی می‌باشند. این روحیه را با اعمال خود می‌توانیم افراد می‌است که بنابه شرایط ویژه حاکم ایران، به خارج از کشور بروی آورده‌اند. ضرورت دارد رفتارها بر خوردی همچنان به‌مثابه تشایعات و گفته‌ها تمحی بیشتری بنمایند و حرکت اصلی خودشان را که همان افشای رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی و سرورش خود در زمینه‌های سیاسی - عملی باشد یا راه دهند. اگر تاکنون سازمان توانسته‌است به‌عنوان مختلف از انرژی عظیم رفتاری هوادار در خارج از کشور در خدمت اهداف انقلاب استفاده کند، اینکه سازمان تصمیم گرفته است این نص را بر طرف کند و در همین زمینه نیز تدابیری اتخاذ کرده است و فعالیت جدیدی را در جهت سازماندهی تشکیلات خارج از کشور آغاز نموده است.

هندوراس

۱۱ تن از رهبران و اتحادیه‌های کارگری که در زندان‌های رژیم فاجعیتی هندوراس بودند، پس از تهدیدی که از طرف اتحادیه‌ها مبنی بر دست زدن به اعتصابات و تظاهرات عمومی سراسری بوده، از زندان آزاد شدند. این عده بعنا در مصاحبه‌ای اعلام کردند که مورد انواع شکنجه‌ها قرار نایسته‌اند.

لبنان

در چهلیمین روز کنتار آوارگان فلسطینی در اردوگاه‌های غنایلا و سمرای توسط صهیونیست‌ها و فلاژیست‌ها - تظاهرات و راه پیمانی وسیعی در لبنان برگزار گردید که در آن یک دانشجوی توسط مزدوران صهیونیست - کشته و ده‌ها تن مجروح و دستگیر شدند.



رفیقان عزیز! در این شماره ۵

فرمای مورید بحتظر مرده بورژوازی در حال زوال
به موازات عکوفانی این سیستم فشار خرد کننده
آن را لمس کرده ناگزیر دست به اعتراض میزنند

۲- بورژوازی مالی

رفیق جزئی رشد این بورژوازی را در نهه
اول پس از کودتای ۲۸ مرداد میبیند. بورژوازی
تجاری صرافی های قدیمی و فئودالهایی که بسته
فعالیتها ی کمبرادوری روی آورده بودند در کنار
سرمایه های خارجی با تشکیل بانکهای تجاری
این قدر از بورژوازی کمبرادور را تشکیل
ن دادند. شرکتها ی بیمه نیز نمود دیگری از
بورژوازی مالی است علت کمبرادور بودن این
بانکها این است که فعالیت آنها عمدتاً فرسایش
و افزایش واردات خارجی و در قدرت بختیدن به
بازرگانی داخلی محدود شده بود که البته
بعدها با بوجود آمدن بانکهای صنعتی برخی از
بانکهای قدیمی نیز جنبه صنعتی بخود گرفتند.
این قدر با دیگر اقسام بورژوازی را بطلسه



ارگانیک نارد. یعنی سرمایه های مالی در
خدمت بورژوازی کمبرادور صنعتی تجاری و
کنا ورزی است این بورژوازی به سرمایه
انصارات خارجی وابسته است معیار
وابستگی این بانکها به خارج تنها از
طریق سرمایه زسی آنها نیست بلکه وامها
و اعتباراتی نیز هست که این بانکها از
خارج میگیرند و آنرا در منابع وابسته
سرمایه گذاری میکنند. این بانکها از
حمایت جدی دولت برخوردارند.

۳- بورژوازی کفا ورزی

جزئی این بورژوازی را بعنوان جدید
ترین قشر بورژوازی کمبرادور معرفی میکند.
او میگوید که روابط سرمایه داری بصورت
کفا ورزی مکنه بر اساس کار در اراضی
ساعدی را تشکیل میدهد که دربار و
بروکراتهای بزرگ در نهه اول پس از کودتای
۲۸ مرداد تصرف کردند. بلاطه عده ای از
فئودالها حتی پس از اعلام فرم ارضی از
آنجا که زوال فئودالیسم را میبینند خود
اراضی ساعدی را بصورت مکنه بر آورده
آنها با حمایت رژیم از دهقانان سلب حق

نسق کردند و در پروسه اصلاحات ارضی نیز
در تضمین این نوع اراضی رژیم تساهل نشان
میداد و بدین ترتیب نطفه های بورژوازی -
بسته عد. البته بآن باید سیستم باغبانی
مدرن را نیز افزود. جزئی رشد چندگانه
باغبانی را تحت روابط سرمایه داری میبینند
و اطلاع میدهند که کارگران کفا ورزی و دهقانان
خوش نشین بصورت موقتی روزمزد با در برابر
یک فصل مزدوری باغات اکنون کار میکنند.
یعنی اینکه در این رشته ها روابط ارباب -
رعیتی دیده نمیشود. جزئی مهمترین نمود
رشد بورژوازی کفا ورزی را در ایجاد واحد -
های عظیم کشت و صنعت و مجتمعهای بزرگ
گوشت و لبنیات میبیند و این بخش را بعنوان
نماینده بورژوازی بزرگ در قلمرو کفا ورزی
معرفی میکند و آنرا دلیل بر ماهیت
کمبرادوری این قشر میداند. او بطور مثال
اطلاع میدهد که واحد معروف آمریکائی -
ایرانی هاشم نراقی در ارضی زیر سد دز به
۳۰ میلیون دلار سرمایه دوازده خانوار -
کفا ورز را بکار گرفته است او واحدهای
خصوصی داخلی و خارجی بی شماری را نیز در
این بخش اقتصادی میبیند و میگوید که
گسترش این واحدها جزو برنامه های -
اقتصادی رژیم است جزئی رشد این سرمایه -
گذاری را در تقابل با سرمایه داری کوچک
و خرده مالکان میبیند و بعضی میکند که
این تضاد در قلمرو کفا ورزی بصورت یک
واقعت بالفعل (مثل تقابل بورژوازی بزرگ
تجاری و صنعتی با خرده بورژوازی و پیشه ور
و کاسب) در خواهد آمد. جزئی میگوید کم
برای مکنه شدن کامل کفا ورزی و باغبانی
در قلمرو سرمایه داری باید منتظر رشد
بیشتر این سیستم بود. جزئی بدین ترتیب
تلویحاً امکان هرچه بیشتر مکنه شدن
کفا ورزی در ایران را میبیند.

۴- بورژوازی بروکرات (اداری)

از دیدگاه رفیق جزئی بورژوازی -
بروکرات قشری از جامعه است که در رأس -
موسسات سیاسی یا داری نظامی یا زرگسائی
صنعتی و خدمات عمومی قرار گرفته است
زمینه ظهور این قشر دربار دولتی است
بنگاههای تجاری صنعتی و دولتی و خدمات
عمومی میباشد و این قشر با گسترش برنامه -
های این سازمانها رشد میکند. این قشر
نه فقط از آن جهت که منافع دیگر اقسام
بورژوازی کمبرادور را نمایندگی میکند
یک قشر بورژوازی شناخته میشود بلکه بخاطر
آن است که با سرمایه های عمومی جامعه و
سازمانهای قوی الذکر بعنوان وسیله ای قادر
است منابع جامعه و همچنین بخش مهمی از
نیروی کار را مستقیماً استثمار کند. جزئی
عوض شاه و نریاریان را مظهر کامل -
بورژوازی بروکرات ایران میخواند. جزئی
معتقد است که بورژوازی اداری در جامعه

ایران زمینه های وسیعی را برای رشد و
استثمار در اختیار نارد. از جمله بعلمت
فئودالی قشر عالی بروکرات قادر است
از طریق سوء استفاده از قدرت و موقعیت
سیاسی ماناری و نظامی منافع معینسی را
بطور غیر قانونی تصاحب کند بورژوازی -
اداری موسسات صنعتی و بنگاههای دولتی
و با وابسته بدولت منابع طبیعی و نیروی
کار مردم را استثمار میکند و بهمین
ترتیب در رأس تأسیسات سرمایه گذاری دولت
در صنایع سنگین و استخراج معادن و تولید
کالاهای واسطه مدهه ای از بروکراتها و -
تکنوکراتهای عالی رتبه قرار گرفته اند
که چه قانونی و چه غیر قانونی منافع
کلیش تصبب آنها میشود. در شرکتهای
بازرگانی و خدمات عمومی و کنترل منابع
طبیعی از جمله سازمانهای آب و بری و فله
مسکنها نکهای دولتی و مخاربات قشر عالی
اداری راههای مختلفی برای کسب نرآمد
غیر قانونی و قانونی نارد و بلاخره با سلطه
بر اراضی در قلمرو کفا ورزی و در اجسرای
طرحهای عمرانی برخوردار از امکانات برای
سوء استفاده قشر بروکرات پیدا عد. رفیق
جزئی حتی به امکان سوء استفاده در اجسرای
طرحهای بزرگ آب رسانی نیز بطور مشخص
اشاره میکند. دلیل چنین امکاناتی را رفیق
جزئی ضعف تاریخی بورژوازی و در نتیجه
نقص اقتصادی که دولت پیدا میکند میبندد که
امکانات این قشر بسیار برجسته تر میشود.
شبهه تراکم این نرآمد رافیق جزئی
تحت عنوان ایجاد کاخها و ویلاها و پلازهای
خصوصی و بلاخره بصورت سفرهای خارجی و -
سافرت تجملی فوق العاده اشاره میکند.

ضمناً اضافه میکند که بعضی از نرآمد
آنان در رشته های مختلف صنایع و بازرگانی
و کفا ورزی سرمایه گذاری میشود و یا در -
بانکهای خارجی انباشته میگردد. یک نکته
کلیدی در اصرار رفیق جزئی از تحلیل نادن
این قشر تحت عنوان بورژوازی بروکرات
این است که با وجود اینکه این قشر
ممکن است در قشرهای دیگر سهم باشد ولی
مانام که یک خرده بروکرات تکنوکرات یا -
نظامی موقعیت عالی اداری خود را حفظ
کرده و نرآمدهای او متکی به حفظ این
موقعیت سیاسی یا اداری و نظامی است
بورژوازی بروکرات بشمار میآید. از اینصورت
رفیق جزئی شاه را علیرغم سرمایه گذاریهای
گوناگونش چه در داخل و چه در خارج ولی
معدالک یک بورژوازی بروکرات البته از عمده -
ترین آنها میخواند. چرا؟ برای اینکه او
معتقد است که همه امتیازهای شاه متکی به
موقعیت سیاسی دولت است و در صورت تضعیف
با سقوط او تمام این سرمایه کلان که در
ایران و در خارج میگردد.



مروزی بر چه اساسی رفیق جزئی

با چنین تمرینی از بورژوازی پروکراته رفیق جزئی سعی نارد از موقعیت بورژوازی پروکراته ایران تحلیل را او در سه زمینه سازمان میدهد اول رابطه بورژوازی پروکراته با دیگر اقسام بورژوازی را روشن میکند و بعد موقعیت بورژوازی پروکراته را در برابر انحصارات امپریالیستی تفریح میکند و بالاخره در اینجا ضروری می بیند که به رابطه اقتصاد با - کشورهای سوسیالیستی و آثار سیاسی آن نیز برخورد کند. نکته اصلی که واقعا به این بخش مربوط میشود این است که بورژوازی پروکراته در حقیقت نقش تعیین کننده ای در حفظ و حرکت سیستم نارد. رفیق جزئی میگوید که این قشر نقش اقتصادی خود را در سیستم آگاهانه انجام میدهد و بنابراین قشر از بورژوازی با دیگر اقسام بورژوازی وحدت طبقاتی نارد و چه مستقیم و چه غیر مستقیم با آنها منافع مشترک نارد. البته چنین وحدتی بمعنی وحدت در برابر خلق و وحدت در رابطه با امپریالیسم است. بعنوان نظامی که از آن بهره مند است و به آن بهره میرساند و با آن حیات میابد. ولی این یک روی سکه است. روی دیگر جنبه تضاد است بین بورژوازی پروکراته و چهار قشر دیگر بورژوازی تضاد هم وجود نارد که رفیق جزئی آنرا ناشی از موقعیت برتر و نقش تعیین کننده اقتصادی بورژوازی پروکراته میدانند. رفیق جزئی تکرار میکند که بخش خصوصی در ایران از نظر تاریخی ضعیف بوده و از اینرو دولت و دستگاه حاکم بطور کلی نقش فائقه اقتصادی داشته است. از دیدگاه وی - بورژوازی پروکراته گرچه نماینده منافع کلی بورژوازی و امپریالیستها است ولی در نتیجه اول نماینده منافع جناح حاکم بورژوازی پروکراته و منافع سیستم اتوکراسی سلطنتی (بورژوازی - پروکراته) است بدین معنی که نه تنها در شکل سیاسی عامل سرکوبی خلق است بلکه در جنبه اقتصادی آزادی عمل سازمانهای بورژوازی را تابع نجات برنامه ها و منافع خاص جناح حاکم رژیم میسازد. سیستم اتوکراسی سلطنتی در مقابل ارتستوکراسی بورژوازی و کمپرادور (که در شرایط کموکراتیک برای دیگر اقسام بورژوازی عمل میکند) قرار میگیرد. در پدیده اقتصاد در نیزه ای هندوین سیاست اقتصادی در نتیجه نخست موقعیت جناح حاکم در برابر و دیکتاتوری وابسته به آن در نظر است و از اینرو رژیم دیکتاتوری برای حل و فصل مشکلات اقتصادی خود قهرهای مختلف بورژوازی کمپرادور را نیز موقتا قربانی یکدیگر میکند برآیند این تضادها و نحوه برخورد برای طبقه حاکم جنبه داخلی نارد. در حالیکه

برخورد دیکتاتوری با خرده بورژوازی و با بقایای بورژوازی ملی و بالاخره زحمتکشان کلاسیک گنیمته و خالی از احساس مسئولیت و بدست ضد خلقی است. در زمینه رابطه قشر پروکراته با انحصارات امپریالیستی رفیق جزئی میگوید که این قشر وظایف خود را در قبال انحصارات جهانی بخوبی انجام میدهد ولی این بدان معنی نیست که هیچگاه هیچ نوع تضادی بین بورژوازی کمپرادور و بورژوازی قشر پروکراته وجود نارد. از دیدگاه وی دستگاه حاکم نماینده طبقه حاکم است و نه جیره خوار صرف و کارگزار امپریالیستها در ایران و قشر پروکراته بنماینده کلی بورژوازی کمپرادور خواستار دریا قنهای بیشتری از انحصارات است. نهایتا بر سر نادر ستها بین بورژوازی پروکراته و انحصارات اختلافاتی بروز میکند. ریشه این اختلافات را رفیق جزئی چنین می بیند:

بحران اقتصادی سیستم سرمایه ناری - وابسته ناشی از تورم جهانی که میتواند ثبات سیاسی را در کشور بهم بزند که ختم سردمداران رژیم را برمی انگیزد.

ناراضی بودن بعضی از جناحهای امپریالیستها نسبت به سهم خود در ایران که میتواند منجر به فشار روی جناح حاکم و ابراز عدم رضایت از سوی چنین جناحی شود (در مواردی حتی منجر به کودتا هم ممکن است بشود)

اختلاف سلیقه های جناح حاکم با امپریالیسم سلطه آمریکا.

دومین ویژگی عمده سرمایه ناری وابسته ایران:

گسترش سرمایه گذاری خارجی زیرروابط استعماری نوین و افزایش استثمار خارجی: روابط متقابل بورژوازی کمپرادور و انحصارات امپریالیستی را جزئی در ویژگی اول تشریح کرد. ماحصل این روابط - وابستگی مستقیم و غیر مستقیم تولیدی داخلی به سیستم اقتصادی و تولیدی انحصارات امپریالیستی است و این پدیده خود موجب افزایش بهره کشی خارجی از منابع و نیروی کار ایران میگردد. او تاکید نارد که با استقرار نظام سرمایه ناری - وابسته بهره کشی خارجی در این جنبه فوق العاده ای پیدا کرده است و نسبت به گذشته چندین برابر شده است. هر سرمایه گذار جدید خارجی در صنایع و منابع معدنی و بازرگانی و کشاورزی قدمی تازه در جهت وابستگی بیشتر است و در ضمن افزایش سهم تولید و صدور تک ماهه خام ایران یعنی نفت هم ارزش بیشتری لهیب ایران ایران میکند که صرف بوجه دولت میگردد و از این طریق وابستگی اقتصادی

ایران به انحصارات جهانی و محافل امپریالیستی بیشتر میشود. این وابستگی اقتصادی خود را در نمود سیاسی و نظامی کشور نشان میدهد. وابستگی اقتصادی خود پایه و اساس است برای وابستگی سیاسی و نظامی. مثلا وابستگی سیاسی بصورت اجرای نقش زاندارمی امپریالیستها در منطقه و برقراری پیمانهای نظامی سنتی و پیمان دریا نیه اقتصادی - سیاسی ایران و آمریکا که بنا بر وابستگی رسمی نظامی ایران به قدرتهای - امپریالیستی است (ضد مستشاران آمریکائی در ارتش و دیگر نیروهای مسلح و پلیس سیاسی خصوصا استفاده از آخرین تجارب ضد خلقی آنان نشانده انکار ناپذیر وابستگی ایران به قدرت - امپریالیستی بعمار مهروند) ولی رفیق جزئی در اینجا بی مناسبت نمی بیند که تاکید کند که این بروسه ها یعنی وابستگی اقتصادی و وابستگی سیاسی و نظامی همه از کانال نیروهای داخلی یعنی بورژوازی کمپرادور صورت میگیرد. از این رو مبارزه با امپریالیسم از - کانال مبارزه با رژیم و سیستم سرمایه ناری وابسته انجام پذیر است.

با استقرار نظام سرمایه ناری - وابسته استثمار خارجی و سلطه امپریالیستی از زیر پوشش طبقه حاکم و دستگاه حاکم پنهان است و توده ها این استثمار را روی خود لمس نمی کنند (بطور مستقیم) و همه چیز را از چشم رژیم و ارتجاع داخلی می بینند. لذا غناخت این پدیده نواستعماری و توضیح آن برای توده ها جزو وظایف انقلابی است.

سومین صلت عمده سرمایه ناری وابسته ایران:

موقعیت ویژه مقامان در مرحله گذار: رفیق جزئی عقیده نارد که دو - صلت عمده فتوئالیسم یعنی روابط ارباب و رعیتی و سیستم مالکیت بزرگ زمین در ایران ملغی شد و بدین ترتیب سیستم تولید فتوئالی در قلمرو روستا های ایران برچیده شد ولی باقیات - اضافه میکند که این بدان معنی نیست که روابط سرمایه ناری در تولید کشاورزی ایران مستقر شده باشد. این پدیده احتیاج به یک مرحله نسبتا طولانی گذار نارد. مثلا در بعضی از نقاط جهان حتی پس از انقلاب بورژوازی استقرار مناسبات تولیدی سرمایه ناری در روستاها محتاج به گذشت چند دهه و حتی نسل بود. با چنین مقدمه ای وی طرح میکند که مقوله "چانه نظام بعد از انقلاب فتوئالیسم در ایران در



ضرورت طرح مسئله زنان در جنبش انقلابی

چگونه از تاریخ پیاموزیم

بقیه از صفحه ۱
از کاتال جنسیت و در رابطه با پدر یا
مهر و فرزندان مورد ارزیابی قرار
میکرد. تا زمانی که نظام طبقاتی حاکم
میباعد و تا زمانیکه ارزش و مصیبت زن بر
اساس رابطه مادی او با یک مرد معین
میبود. مگر معاف بر زنان انامه خواهد
ناعت. از آنجا که فرهنگ پدرسالاری ریشه
در تمامی روابط اجتماعی دارد زنان خود
نیز به شتم موجود و "جنس دوم" بودن کن
در ناهاند بطوریکه هر نوع تغییر در
فرهنگ و نظام مسلط موجود قبل از اینکه
بندیا ایجاد تغییر در افکار و رفتارهای
مرد حاصل شود منوط می باشد به کسب
خود آگاهی لازم از طرف خود زنان در جهت
طرد موقعیت موجودشان.

آنچه مسلم است برابری کامل زن و مرد
تنها پس از یک انقلاب اجتماعی و پس از
نابودی نظام طبقاتی و استقرار سوسیالیسم
ممکن میباید لیکن تغییر بنیادی مناسبات
اقتصادی شرط کافی برای رهایی زنان نمیباشد
به عبارت دیگر این تغییر بنیادی شرط
لازم است ولی کافی نیست. کما اینکه رهایی
زنان را موقوف به بعد از انقلاب اجتماعی
کرده به مبارزات دمکراتیک و مستقل آنان
بهای نمیباشد باستی به این مسئله واقف
گردند که اصولاً پیروزی انقلاب اجتماعی
و ساختمان سوسیالیسم و استقرار جامعه
نویس بدون حرکت آگاهانه زنان - زنانی که
به خود آگاهی رسیده دگرگونی نقش اجتماعی
خود را از جمله اهداف اصلی انقلاب میدانند
امکان پذیر نخواهد بود. این خود آگاهی
و هدفمند بودن حرکت زنان در انقلاب مستلزم
کاری ویژه در بین خود زنان است. چنانکه
کولونتی از رهبران جنبش زنان زحمتکش
روسیه میگوید "این طبیعی است که حتی
روانناسی زن کارگر در طی قرنهای بردگیه
از مرد طبقه کارگر متفاوت باشد. مرد
کارگر مستقل تره صمتر و قاطعتر بوده و
احساس صمتری بیشتری نادرده اقی نیستد او
بنابین جهت که منحصر به کار محدود و تابعی
از روابط خانوادگی نیست و صمتر است

برای او آسانتر است که به منافع خود آگاه
خود و آنها را به مشکلات طبقه اش ربط بدهد.
ولی برای زن کارگر رسیدن به این حد آگاهی
همانا قطع رابطه یا سخته تصورات غلطی است
و رسمی است که از دوران کودکی با آن بزرگ
عده است. تنها از طریق یک برخورد خاص
به او و تنها با استفاده از روشهای
مخصوص کار در میان زنان است که میتوان
افکار زن کارگر را روشن نمود و آنها را
خواب طولانی و تغیلی بیرون آورد.

جنبش مستقل زنان با طرح و بررسی
مسائل زنان در جامعه تضمین کننده احقاق
حقوق متساوی زنان در طی و پس از انقلاب
اجتماعی خواهد بود. چنین جنبش مستقلی
تنها در پیوند با مسائل سیاسی، اجتماعی
و طبقاتی است که میتواند ابعاد وسیع
پیدا کرده و مسئله زنان را بعنوان
مسئله ای اجتماعی محتوی سیاسی طبقاتی
بببند.

زنان در ایران علاوه بر ضعف و عقب
ماندگی کلی توده های زحمتکش که حاصل سالها
حاکمیت سیه دیکتاتوری و ضعف عمومی جنبش
چپ و نبود نیروی سازمان یافته طبقه کارگر
و همچنین عدم وجود تشکلهای توسعه ای
دمکراتیک است، بنا به موقعیت خاص خود
یعنی اعتغال به کار غیرتولیدی فردی در
خانه و سن و فرهنگ و این گرایانه مسلط
بر جامعه و از عقب افتاده ترین اقصای
خلق میبایند. برای از بین بردن این
عقب ماندگی ایجاد تشکلهای جدید سازمانی
که در برگرفته توده های وسیع زنان باشد
امری ضروری است. بنا بر این دادن آگاهی
در این زمینه به زنان و مردان اهمیت
حیاتی برای جنبش زنان و جنبش طبقه کارگر
نارده. از وظایف این تشکلهای تحقیق در
باره موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان
در ایران و بر این مبنایافتن سیاستها
و روشهای عملی برای کار در میان زنان و
همچنین ناعتن برنامهای کوتاه مدت

و نراز مدت در جهت کسب خواسته های نسوری
و مبرم زنان مانند مبارزه برای حقوق و
استیازات اجتماعی و کوفی در جهت بهبود
علائق کار و زندگی زنان زحمتکش و همسره
و نیز کار جهت بسیج زنان برای کسب
آزادی و برابری واقعی و کامل یعنی رهایی
از هر نوع شتم و وابستگی می باشد.

در ارتباط با مسئله زن و چگونگی طرح
و برخورد به آن در جوامع تحت تسلط در بین
نبروهای چپ در سطح جهانی بطور عام و در
ایران بطور خاص دیدگاههای مختلفی مطرح
گرفته است که به علت عدم شناخت صحیح و
دقیق از این مسئله تا کنون موفقیت به
برنامه ریزی واحد و اصولی نشده است.

برخورد های انحرافی رایج در جنبش چپ و
دموکراتیک ایران نسبت به مسئله زن در چند
دسته زیر خلاصه می کنیم:

۱- عده ای معتقدند که مسئله زن اهمیتی
ناثوری ناعده و اصولاً مسئله ای است فرجه
انقلابیون باید تمام نیروی خود را صرف
جنبش کارگری و به فراموشی انقلاب نماید
زمانی که انقلاب پرولتری تحقق یافت تمام
مسائل دمکراتیک از جمله مسئله زن نیز
خود بخود حل خواهد شد. لذا نیرو کناقتن
جهت ایجاد تشکلهای مستقل زنان و اصولاً
نامن زدن به جنبش مستقل زنان ضرورتی
نارده. در ثانی طرح مسئله عام و کلی
تحت عنوان "مسئله زن" رهبر طبقاتی است و
فقط باید در رابطه با جنبش کارگری و در
سطح زنان طبقه کارگر مطرح باشد.

۲- در مجامع نبروهای چپ و در بین سازمانها
و گروه های کمونیستی گاه گفته میباید که
مسئله زن از لحاظ تئوریک مسئله ای است حل
عده و اصولاً یک بحث کلنیک است که توسط
بهر روان سوسیالیسم علمی نظیر مارکسیسم
انگلی و لنین به اندازه کافی طرح و
بررسی شده است. و ما هم با این بررسیها
و بحثها آشنایی ناعده و آنها را تا میباید
کرده و خواهان برابری حقوق زن و مرد
بقیه در صفحه ۱۲

ضرورت طرح مسئله زنان

بنیبه از صفحه ۱۱

میباغیم دیگر لزومی ندارد وقت و انرژی خاصی را صرف رسیدگی به این مسئله نماییم. و اصولاً تا کفایت روی این نوع مباحث تضاد بین زن و مرد را نامن نهند و باعث طرح مسائل انحرافی نگردد.

۳- گاه گفته می‌شود که بحث و تا کفایت در مورد مسئله زن در صفوف جنبش کارگری و نهز جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقها شکاف می‌نماید. یعنی از یک طرف اختلافات گروهی وجودی را که در این مورد متحامل نظر نیستند تعدید میکند و از طرف دیگر اتحاد نیروها و سازمانهای مختلف خلقی را غنسه دار میسازد. مثلاً حزب توده تا کفایت روی مسئله زن را مثل تا کفایت روی هر کس نام از مسائل دمکراتیک جنبش کارگری لیبرالیستی دانسته و آنرا منجر به غنسه دار شدن جنبه متحد ضد امپریالیستی بین نیروهای کمونیستی و خرده بورژوازی مثل حزب جمهوری اسلامی و خط امام می‌داند. بعضی از گروهها و عناصر در جنبش انقلابی نیز طرح و اهمیت دادن به مسئله زن را باعث تعدید اختلافات و جناسی بین نیروهای کمونیستی و غیر کمونیستی نظیر مجاهدین خلق میدانند و معتقدند بخاطر حفظ اتحاد ملوف آپوزیسیون نباید فعلاً به چنین مسائلی نام زد.

۴- گروهی نیز (نظیر سازمان بهکار) معتقدند که اصولاً تا وقتی رهبری پرولتاریا بر جنبش تحقق نیافته است ایجاد هر گونه تفکیکات دمکراتیک زنان یک کوشش بی محتوا و روغنفرگانه خواهد بود. چرا که مطالبه جنبش زنان در اروپا و آمریکا و همینهم رایج در اکثر کشورهای بیفرته و نیمه تفکیکاتهای زنان که پس از قیام در ایران بوجود آمدند نشان میدهند که جنبش مستقل زنان جنبشی است خرده بورژوازی با بورژوازی و لیبرالی و نیروهای انقلابی و پرولتری نباید خود را درگیر در چنین جریانهای سازند.

۵- و بالاخره انحراف دیگر بهمنشهای کمونیستی است که میگوید مسئله زن غنسه ترین مسئله بوده و اصولاً زنان را باید از

این زاویه به جنبش جلب نمود و مسئله زن مسئله ای است غیر از مسائل مربوط به تضادهای طبقاتی. بطوریکه نه پرولتاریا و نه سوسیالیسم بلکه خود زنان با اتحاد و خواهری در بین خود قادر خواهند بود از سلطه مردها رها شده و مسائل خود را خود حل نمایند.

در زمینه برخورد درست و اصولی نسبت به مسئله زنان باید گفت:

الف- آنها تمکین بر خورد به مسئله زنان را به بعد از انقلاب موکول میکنند تصور میکنند که به صرف انقلاب اجتماعی و تغییر مناسبات اقتصادی مسئله زن نیز حل خواهد شد. این گروه همان اعتباه را میکنند که در مورد

اجتماعی و در یک کلام انقلاب سوسیالیستی است. اما هیچیک از این شروط به خودی خود کافی نیستند. چرا که تغییر متن و فرهنگ و ایدها و ارزشهای مردسالارانه تنها با تغییر بنیادها و اقتصادی جامعه حاصل نمیشود لذا وجود یک جنبش مستقل زنان همراه با تفکیکات خاص خود که در عین استقلال در پیوند سیاسی و اجتماعی با جنبش کارگران و زحمتکشان نیز باعث می‌شوند چه در دوره انقلاب و چه پس از پیروزی آن نام اجرا ی اهداف خاص زنان باعث و همراه با مبارزه با فرهنگ پندسارارانه در راه گسترش فرهنگ نوین جامعه تلقی نماید. همانگونه که تجربه انقلابهای اجتماعی در کشورهای مختلف نظیر روسیه شوروی، کوبا و چین نشان میدهد



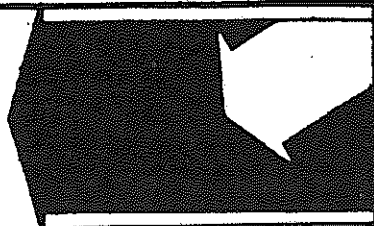
به صرف انقلاب سوسیالیستی مسئله زن حل نموده و با وجود دست آوردها و بیفرتهای عا بان دست آمده، ضرورت وجود تفکیکات مستقل زنان و نقش ملید و سازنده آن برای رها بی کامل زن آشکار است.

البته ندی که اساساً تفکیکی بین مسئله عام زنان و مسئله جنبش طبیبه کارگر قائل نیست نمی تواند هیچکام از بحثهای مذکور را بهیبرد. نمایانگر کامل این نسد سازمان بهکار بوده است. برای روشن شدن مطلب به مقاله ای که در بهکار شماره ۹۲ و ۹۳ بنیبه در صفحه ۳۳

سایر مسائل دمکراتیک و عام جنبش وجود دارند مثل این میدانند که به خلق کرد بگویم شما مسئله ملی را فعلاً عمده نکنید و فقط به جنبش ضد امپریالیستی عمومی بهرنایزید پس از پیروزی انقلاب مسئله ملی نیز خودی خود حل خواهد شد. خاصه در مورد مسئله زن اگر چه شرط لازم برای تحقق آزادی واقعی زن و برای بری واقعی او با مرد تغییر عرا بط اقتصادی حرکت دادن زنان در تولید اجتماعی تساوی حقوق زن و مرد در مقابل قانون و فراهم آوردن امکانات و عرا بط مادی لازم برای تسهیل و تعویق زنان در نقشهای



دیدگاهها



بمنظور بهر چه امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

طرح متدولوژیک مرحله انقلاب

روشنفکران انقلابی و مترقی که تئوری خود را مزین به مقولات و نقل قولهای مارکس و انگلس و لنین و دیگران مینمایند خارج از خود و براتیک انقلابی به تدوین و تکمیل تئوریهای عام انقلابی میپردازند، از آنجا که سؤالات اصلی مورد بحث و با پروبلما تیک‌های (Problematik) آنها، صحت روشنفکرانه و آکادمیک ندارد سرعت در نام بینشی‌های بورژوازی بویژه در زمینه متدولوژی در مغلطند. اینک به بسیاری از این تئوریسینها به نامین بوزیتویسم میگردند جای تعجبی نیست. چنانکه اگر بولانژاس، بطور مثال، شیوه تولید را تنها یک مقوله انتزاعی و ابستراکت دانسته و بیشتر دنبال فراماسیون میگردد و نهایتاً فراماسیون را تبدیل به اجزا قابل تجربه و مشاهده میگرداند جای تعجبی ندارد و با اینکه والرتاین از توانایته مارکس آغاز کرده و در استراکتور و سیستم پارونز فرو میسرود و با زهم جای شگفتی نیست، و اگر تئوریسینهایی مانند سمیر امین و امانوئل با انتقاد از اقتصاددانان بورژوازی چون ریکاردو شروع کرده و به مکاتب ریکاردونی جدید ختم میکنند نهز جای تعجبی نیست. بطور کلی این طیف روشنفکری همواره سعی دارد همچون دانشمندان بورژوازی همواره احکام دیالکتیکی و تاریخی مارکس و انگلس و لنین را گرفته آنها را بسط و فرضیه و با (Hypothesis) گاه‌ها و سهم آنها را در بونه امپیریزیم به آزمایشی گذارد، شیوه‌ای که با کل جهان بینشی انقلابی سوسالیم علمی بیگانه میباید. اینان اگر چه بعضی از هر کس دیگر از متفکرین سوسالیم علمی نقل قول میآورند بقیه در صفحه ۱۱

فوق مهتوان گرفت که بیشتر مادیست شناخت غناسی (Epistemology) دارد: اول - اینکه تمهین مرحله انقلاب میباید در خدمت براتیک مبارزاتی قرار گرفته و عموماً یک عملکرد و برخورد سیاسی لازم دارد نه روشنفکرانه. این ارزیابی اگر چه متکی است بر تحلیلها و بحث‌های علمی و فلسفی دارای ماهیت آکادمیک نبوده و جهت بحث‌های اقلانی نمیباشد. این امر بویستی توسط مبارزین و انقلابیون خلقهای مبارزی چون ویتنام، فلسطین، غلی، هنگ‌کنگ و غیره بدین ترتیب اشاره میشود که هدف از چنین تحلیلی نه یک بویستی روشنفکرانه است که خود در تاریخ تنیده خود بدون هیچ اثری دور بزند و گیر کند و نه تنها مشکلی را حل ننماید و بر بیجهدگهای ساله مسرود بحث‌ها فزاید بلکه عموماً تحلیل و شناخت میباید تمهین کننده و در خدمت تغییر انقلابی قرار گیرد. نکته دوم در بحث فوق اشاره به ارتباط و پیوند دیالکتیکی بین براتیک و تئوری انقلابی در یک فرایند تغذیه متقابل دارد. البته این ارتباط براتیک و تئوری را نمیباید با تئوری پراکتیک (Praxis) که سرمداران مکتب فرانکفورت از آن صحبت میکنند اعتبار نمود. این سرمداران خود کسانی هستند که علیرغم سینه چاکی برای "پراکتیک" نه تئوریسمان ناعی از عمل و براتیک بوده است و نه عملشان چاکی از تئوریسمان و سالهای سال در کنج مکتبانه و فراموشی خانه فرانکفورتی از هر طرف بسر و کلاه مارکسیسم انقلابی کوفته تا بالاخره غش و کوفته در آغوش بورژوازی و نادان و به دنهای غلغله هگلی فرو رفتند. بسیاری از

در رساله حاضر سعی ما بر اینست که به نکاتی چند بهرامون مسائل متدولوژیک "مرحله انقلاب" بپردازیم. این بحث از آنجا ضرورت میباید که مستقیماً با تئوریت انقلاب ایران و وضعیت نیروهای انقلابی در ارتباط میباید. در عریاط بحرانی و - خفقتانی که جامعه ایران را بطور کسل و نیروهای انقلابی را بطور خاص در تند بهج سریع وقایع قرار داده است وظیفه اصلی نیروهای انقلابی ارائه ارزیابی دقیق از این عریاط و ارائه برنامه عمل انقلابی برای خارج شدن از آن میباید. احتیاجی به توضیح نیست که این برنامه عمل انقلابی زمانی میتواند بطور مادی تبدیل به حرکت گردد که نه تنها شناخت صحیح و اصولی از عمق نیروهای محرکه انقلابی بدست دهد بلکه در یک ارتباط تاریخی بتواند حال را به آینده ای روشن و مطلوب زحمتکشان از طریق عمل انقلابی پیوند دهد. تجلی این برنامه رهنمودهای علمی تاکتیکی و استراتژیکی میباید که وظایف نیروهای انقلابی را در تغییر انقلابی تصریح نماید. شناخت قبوی نمیتواند بصورتی عمیق و متعهد در آمد مگر اینکه ریشه در براتیک مبارزه انقلابی دوما دومی توده‌ها و در بین توده‌ها داشته باشد. چنین شناخت و تمهیدی است که با رور - کننده تئوری انقلابی خواهد شد. این تئوری انقلابی بنویسه زمانیکه بدرون طبقه انقلابی و در درون مبارزه انقلابی توده‌ها برده شود خود تبدیل به نیروی مادی تغییر میگردد. تئوری انقلابی از جانب دیگر نیز خود ریشه در تجربیات و جمع بینشیهای مبارزاتی توده‌ها در کشورهای مختلف و زمانهای متفاوت دارد. دو نتیجه از بحث

طرح متداول و یک مرحله انقلاب

ولی نه با تجهیزات و جز آغشته فکری نمیشود خواننده خود نمیکند و در آخر خواننده مجبور است برای یافتن سئوالهای خود که اینک شکل عملی خود را از ستاده اند و سئوالهای جدیدی نیز بآن اضافه شده است به کتاب دیگر مراجعه کند. برخوردار ما در این مقاله بآن سئوالها از رفقائی است که آنچنان هیفته بررسی گشته اند که سعی مینمایند این شیوه را برای شناخت و ارائه راه حل برای مسائل بفرنج جامعه در مسیر انقلاب بکار گیرند.

آدو شیوه برخوردار

در بخش اول سعی ما بر این بود تا دو فلسفه و شیوه شناخت را بطور کلی مقایسه نماییم. در بخش دوم در ارتباط با این دو شیوه شناخت سعی ما بر اینست که اصول متداول و یک طرح مرحله انقلابی که توسط لنین بکار گرفته شده و توسط انقلابیون جنبشهای رها تبخیمی فرموله و بمحک تجربه گذارده شده است را با شیوه دیگر طرح ساله مقایسه و بررسی نماییم.

بطور کلی دو نحوه برخوردار متداول و یک به مرحله انقلاب وجود دارد. نحوه اول تحلیل را از تئوری آغاز نموده و بر اساس آن مدل ایده آلی ساخته و سپس سعی مینماید شرایط موجود را در تطابق با آن مدل ارزیابی نماید. نحوه دوم نقطه حرکت را بر واقعیات جامعه نهاد و مطرح نمیکند که چگونه میتوان این واقعیات را بطرف نظم ایده آل سوق داد. علیرغم ظاهر مشابه این دو شیوه تفکر و تحلیل به نتایج کاملاً متفاوتی میتواند منجر گردد. ما شیوه نخست را به بهترین وجه میتوانیم در جزوه "مرازانامه و چشم انداز" بیابیم و تشابهات بسیاری از آنرا در نظرات منسوب به "الحق" در حالیکه شیوه دوم بروشنی در نظرات سازمان (ا.ک) بچشم میخورد. بنظر ما شیوه دوم صحیح بوده و میتواند بعنوان متداولی برخوردار به ساله مرحله انقلاب بکار رود و همچنین این شیوه را به

شیوه برخوردار لنین به مرحله انقلاب نزدیک مینمایند. آنچه در زیر مینماید سعی در روشن نمودن وجوه افتراقی این دو شیوه برخوردار و نتایج سیاسی آن مینماید.

لنین تحلیل و شناخت مرحله انقلاب را با ارزیابی تضادهای موجود در اجتماع شروع مینماید. این تضادها مجموعه‌ای بهیچیده بهمائنی را تشکیل میدهند که در مرحله‌ای خاص (شرایط) بصورت یک گسره بازدارنده در مینمایند. این تضادها از درجات مختلف تعیین کنندگی برخوردار بسونه و از اینرو دارای اهمیت و فوریت متفاوتی مینمایند. این گروه تضادها که در راستای تضادهای تعیین کننده و اساسی به پویایی خود ادامه میدهند در مرحله‌ای از شدت و عمق خود بحران انقلابی را در جامعه بعرضه نمایان گذاشته چنانکه این بحران انقلابی تمام ساخت جامعه را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در برمیگیرد. در چنین شرایطی است که حل این گروه تضادها فوریت مینماید. در اینجاست که بطور کلی دو نوع راه حل برای تضادها میتواند مطرح گردند: اول آنستکه از راه حلهاست که رفرمها را در چهارچوب نظم موجود جوابگویی حل تضادها مینماید. دسته دوم: هرگونه رفرمی را مردود ساخته و یک انقلاب را بعنوان راه حل برمیگزینند. لنین شیوه اول را لیبرالی بورژوازی و شیوه دوم را انقلابی مینماید. اگر چنین باشد یک انقلاب در دستور و برنامه عمل قرار مینگیرد. انقلابی که بطورجبری و قهسری رو بنا سیاسی کهنه‌ای را که تضاد آن با مناسبات تولیدی نوین در لحظه معین موجب ورشکستگی آن شده است را در هم میشکند. در چنین شرایطی است که وظیفه اصلی اینست که باید به سولات ذیل بنا به صراحت جواب داده شود: چه طبقه باطبقات بخصوصی و چه نحوی در ساختمان روبنای جدید سهم مینماید؟ آنرا چگونه باید بسازند؟ حلیت و شیوه روبنای جدید چگونه خواهد بود؟ بمبارت دیگر در حل انقلابی تضادهای موجود چه طبقاتی مناقع مشخصی

داخته و هر کدام از این طبقات برای حل این تضادها تا چه مرحله‌ای از در هم شکستن نظام موجود و برقراری نظام نوین بهمین خواهند رفت همچنین روبنای جدید چگونه منعکس کننده حلیت طبقاتی جدید بوده و به چه نحوی در حل تضادها عمل مینماید و راستای حرکت آن چگونه بوده و چه طبقه‌ای توانائی تاریخی این حرکت را تا انجام آن که حل تضادهای آشتی ناپذیر اساسی (طبقاتی) مینماید دارا است. لنین این متدولوژی را در مراحل بحران انقلابی روسیه بویژه در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ بکار مینگیرد.

بر اساس میانی اقتصاد سیاسی و شناخت تضادهای یک جامعه در ارتباط مستقیم با فرمایشون اقتصاد و اجتماع سیاسی و رابطه دیالکتیکی بین بروسه تولید و باز تولید نظم موجود در جامعه است از اینروست که تحلیل از ساخت فرمایشون اقتصادی سیاسی بستر تحلیلهای بعدی قرار مینگیرد. در اینجا نیز ما شیوه‌های برخوردار دوگانه فوی را میتوانیم ملاحظه کنیم. یک شیوه نقطه آغاز را برای تحلیل تئوری میداند. این امر بصورت الگو برناری است و یا اینکه میتوانند از بینش امپریستی نشئت گرفته باشد و عرفاً قصد به آزمون گذاشتن فرضیه‌های تئوریک را در یک شرایط خاص ناخته باشد که بهر صورت روشی ایده آل تئوسی مینماید. شیوه دیگر مبنای تحلیل را از شرایط خاص جامعه آغاز نموده و نقطه دیالکتیکی را در روش برخوردار به تئوریهسا در کلیت آنها قرار مینماید. اختلاف این دو شیوه برخوردار در زمانی عیان تر میگردد که تحلیل در مورد ساختار یک جامعه تحت سلطه امپریالیسم بکار رود. بنظر ما تحلیل رفیق جزئی در کلیت خود شیوه دوم برخوردار را ارائه مینماید. او بدون آنکه دچار سرگیجه و آشفتگی روشفکری گسرد (یعنی طرح برویلما تیک‌های روشفکرانه‌ای که آیا تکه روابط امپریالیسم با جوامع تحت سلطه روی توزیع است یا تولید بنا



طرح متداول یک مرحله انقلاب

اینکه عیوه* تولید در این جوامع از نوع جدید است و با صحت در هم آمیختگی را دارد و با اینکه عیوه* تولید یک مقوله* مجرد است و فرمایشون کنکرت (برخوردی کلی و جامعی به پروسه رشد سرمایه ناری در ایران در ارتباط با سرمایه ناری - جهانی برداشته و سعی کرده است که در کلیت خود شکل گیری طبقات جدید و نفس آنها را در سیستم رو به رشد نفعان نهد و سپس اینهمه را در ارتباط با ساله تضادها قرار نهد. در اینجا غرض وارد شدن در جزئیات و نقد نظر و تحلیل رفیق جزئی در تشریح و توضیح رشد روابط سرمایه ناری در ایران نبوده بلکه من باب مثال کار تحلیلی او مورد اشاره واقع شد. اگر چه جالب است که چگونه بسیاری از بحثهای اساسی و فرضاتی که هم نظرات و بستگی جدید و هم تئوریهایی جدید امپریالیسم را مورد بررسی قرار مینهند در تحلیل رفیق جزئی آمده است. از نکات برجسته این تحلیل این میباشد که بویایی ساخت جامعه را در برآیند دیالکتیکی شرایط و عوامل خارجی و شرایط و عوامل داخلی جستجو مینماید. در حالیکه فقیدان این ترک یکی از نواقص عمده تئوریهایی و بستگی و یا تئوریهایی جدید امپریالیسم میباشد زیرا که در این تئوریهایی به این برآیند دیالکتیکی با توجهی نشده است و با آنکه آنها تمام نموده اند و لسانا ارزش کنکرت آنها را بیل ساخته اند.

۳- جامعه ایران

یک نمونه مورد ارزیابی
مثال در جامعه* ایران میتوان بویایی درونی فرمایشون اجتماعی، اقتصادی سیاسی را در ارتباط و متاثر از امپریالیسم در روند تغییرات عیوه* تولید و روابط اجتماعی آن در دوران مختلف امپریالیسم مورد بررسی قرار داد. اگر ایران مانند هر جامعه تحت سلطه* دیگری یعنی جهانی - ناپذیر از سیستم سرمایه ناری جهانی محبوب میگردد از اینرو یعنی از فرایند

بازتولید سرمایه ناری جهانی را از نظر اقتصادی و سیاسی، نظامی و غیره بنا بر ضرورت هر دوره خاص از تکامل و تضاد های امپریالیسم جهانی بعمده ناعته است. با در گهر شدن هر چه بیشتر در این سیستم است که نقش عامل خارجی بمراتب نه تنها از نظر کمیت بلکه از جهت کیفیت و ماهیت نیز در تغییرات داخلی، زیانتر میگردد. در این رابطه میتوان ماهیت و عملکرد امپریالیسم انگلیس و روس را در جامعه ایران با توجه به نیاز بازتولید آن نظامها و تأثیر آن در جامعه ایران و بویایی طبقاتی و داخلی خود ایران که در مقطعی بازتولید نظام موجود در تضاد با بازتولید سرمایه عمدتا تجاری خارجی قرار میگردد توضیح داد که چگونه این تحولات ساخت اقتصادی اجتماعی سیاسی ایران را تحت تأثیر گذاشته است. اگر تحولات پس از جنگ جهانی اول و بحران اقتصادی سالهای ۱۹۳۰ و زمینه های مبارزات آزادیبخشی و ضد کلونیالیسم از یک طرف و تحولات طبقاتی را در داخل ایران از جانب دیگر بصورت دیالکتیکی بررسی نمائیم با رشد طبقه بورژوازی خواهانها که عمدتا ریشه در مالکیت تجاری و بخشا حاکمیت فئودالی داشته ولی در ارتباط نزدکاتند در پوسته فئودالی قرار دارد روبرو هستیم. این رشد در مرحله های خاص از تکامل خود خواستار سهم بیشتری در سیستم اقتصادی، سیاسی فئودالی و از آن طریق در صحنه مبادلات جهانی میگردد. زمانیکه امپریالیسم دوران سرمایه - میادله کالهی را سپری کرده است و به دوران تقوی انحصارات مالی و سرمایه پولی رسیده است، با توجه به ضرورت قانون انبساط خود و از طرف دیگر رشد تضادها و مبارزات طبقاتی و ضد امپریالیستی قادر است این اشکان را برای بورژوازی داخلی رشد یافته بنحویه آورد تا اینکه خود را در رفته های صنعتی و تولیدی وارد نماید. در حالیکه در دوران سلطه* سرمایه تجاری این بورژوازی صرفا از طریق تجارت و در توزیع عموما انبساط میگردد و به رشد سرمایه ناری جامعه توجیبی چندان

نکرده و رابطه جامعه با سرمایه ناری - جهانی در حد تقسیم مواد خام ارزان برای کشورهای امپریالیستی و ایجاد بازار - کالهای ساخته شده امپریالیستی تنظیم میشود و از اینرو بازتولید اقتصادی - اجتماعی ای مورد حمایت قرار میگردد که بنحو مناسبی این عرابط را تامین مینماید. بهر حال سلطه سرمایه پولی باعث گردید که در مقابل جنبشهای ضد کلونیالیستی که عموما بوسیله بورژوازی هدایت مینموند و از یک طرف و ترس از جنبشهای رادیکالی که توسط پرولتاریا رهبری میگرددند (نمونه های چین، ویتنام، کره و سپس کوبا) تغییر سیاست نهدند زیرا بازتولید این سرمایه قضاوت چندانی با رشد بورژوازی این کشورها نداشته است. در این دوران است (پس از جنگ جهانی دوم) که رشد صنایعی که بتوانند جایگزین واردات کالهای بی دوام و پیمان با دوام معرفی گردند ممکن میگردد که البته نیروهای بورژوازی ملی (خصوصی و دولتی) عامل موثری در این حرکت بنحویه میروند. این تحولات به رشد طبقه کارگر در این جوامع کمک فراوان نمود و از طرفی این حرکت با اتخاذ سیاستهای رفرفرم ارضی همراه بوده است که این امر موجب انتقال بخشی از فئودالها به سرمایه ناری و نفعانان بی - زمین به زحمتکاران شهری و پرولتاریا گردید. در این دوران است که عیوه* تولید - سرمایه ناری در بسیاری از جوامع از جمله ایران تحکیم میگردد و از اینرو ترکیب طبقات در قدرت با اشکال مختلف (انقلاب و کودتا، رفرفرم و غیره) تغییر مینمایند. در این مقطع میبایست به تضادها و موجود در آن دوران و اینکه تا چه حدی رفرفرمها - توانستند آنها را جویگو باشند توجه گردد (همانطوریکه میدانیم این تضادها بخشا با رفرفرم و بخشا با سرکوب از گره خود خارج شدند ولی حل نگردیدند). این تغییرات لزوم باگیری جناحی از بورژوازی که در - هماهنگی بیشتر با سیاستها و عملکردهای امپریالیسم باشد را ایجاد مینموند. از بین جناحهای مختلف بورژوازی برخی این آمادگی - بقیه در صفحه ۱۶

طرح متدولوژی یک مرحله انقلاب

را نامتند که بصورت کمپرادور و پایگاه داخلی سیاستهای استثماری امپریالیسم در ایران عمل نمایند. در ایران بورژوازی - تجاری بازار بخفا به صنایع جایگزینی و واردات پرداختند ولی عموماً نسل جوانتر بورژوازی تجاری و یا فئودالها و بورژوازی دولتی و نظامی هستند که صنایع جدید را در ارتباط با دربار برپا می‌سازند. نقش دولت در این رابطه ایجاد نهانها و تسهیلات زیربنایی است که بخش خصوصی را تشویق به سرمایه گذاری نماید. بطور مثال ایجاد بانک توسعه صنعتی و مدنی، تشکیل سازمان برنامه و تهاهای دیگر مالی (بورس، شرکت سرمایه گذاری خارجی و غیره) عموماً در خدمت این سیاست بوده اند. ایجاد تسهیلات زیربنایی برای باصلاح طلبهای توسعه " احداث جاده ها، انبارهای عمومی و بنادر و غیره هم در این جهت حرکت میگردند. عموماً دولت احداث و گرداندن صنایعی را که با زهی کافی اقتصادی ندارند ولی میتوانند بازتولید و انبساط سرمایه را تسریع بخشد و تسهیل نمایند بجهت میگردند. در این مورد ایران از جوامعی است که بعلافت داشتن منابع نفتی توانست بخش عمده ای از این سرمایه گذارها را از طریق درآمد نفت تامین نماید و بطور نسبی کمتر از سرمایه گذارها و وامهای امپریالیستی در این رشته استفاده نماید. غیر از اثرات اقتصادی این سیاستها که رشد نامتناسب و توسعه ناموزون صنایع و بخشهای مختلف اقتصادی را که بیشتر در خدمت بازتولید سرمایه جهانی و در آن ارتباط بازتولید داخلی بود و تهاهای خاص خود را بوجود آورد که تجلی آن در دوران بحران جهانی اوایل دهه ۷۰ مانند طوفانی اقتصادی و ریشه ایران را در هم نوردیده اثرات اجتماعی و تهاهای مربوط به آن در تغییرات طبقاتی جامعه و انعکاس آن در نیازهای مصرفی اجتماعی، سیاسی و غیره متجلی میگردند. این تهاها با رشد قارچی شکل شهرها و هجوم روستائیان از روستا به شهرها

مهاجرت کرده که بصورت نیمه پرولتسره خرده بورژوا و غیره درآمد بعد انفجار خود نزدیک میشوند. بهر شکل دوره سوم تحول امپریالیسم که حاکمیت سرمایه تولیدی متراکم در عرکتهای چند ملیتی از اشکال عمده آن میباشد سیاستهای جدیدی را پیش گرفته و در جهت بازتولید خود احداث صنایعی را تشویق می نمودند که ریشه در مواد مصرفی مثل پتروشیمی مس و غیره داشته و عموماً صادراتی میباشد. این سیر جدید که حرکات آنرا از اوایل دهه ۱۹۷۰ در ایران مبینیم نه تنها جوا بگویی تضاد های داخلی اقتصادی و اجتماعی نبوده بلکه بدنبال خود بکسری تهاهای جدید را در روینای موجود پدید میآورد و همانطوریکه گفته شد در مرحله ای مجموعه تهاها بصورت گره ای گفته که اقشار و طبقات مختلف را بحرکت درآورد. اما اینکه تغییرات پس از قیام چه تأثیری در این ساخت گذاشته است؟ در حوصله این رساله نمیباشد (باید توضیح داده شود که هدف مقاله بررسی متدولوژی است و نه بررسی ماهیت تهاها) پس از قیام از آنجائیکه تهاها نیکه بحران انقلابی را بوجود آوردند و نیاز به یک دگرگونی انقلابی داشتند نتوانستند با فرم های ماهیتا بورژوازی دولت عقب گرا و مذهبی حل گردند بلکه تهاهای جدیدتری را نیز بدان افزودند: نه تنها ساله شغل و تامین عقلی حل نگردید بلکه بیگاری گسترده حاکم شده نه تنها مشکلات اقلیتها ی مذهبی از بین نرفت بلکه صدها بار بآن اضافه گردیده نه تنها مشکل مسکن برطرف نشد بلکه بر تعداد بیخانمانان اضافه گردیده بر این مشکلات حل نشده بلکه اضافه شده باید مشکل زنان آزادی سیاسی، ساله ارضی و غیره و غیره را آورد. ترکلفت این رابطه نیز بر روشنی منحصراًست که ضد انقلاب حاکم نه تنها با امپریالیسم نچنگید بلکه کوشیده است تا ضربات وارده بر آنرا در اثر انقلاب بنحوی ترمیم نماید. آنچه که به بهترین وجه پویائی این تهاها را نشان میدهد کفاکی است که بین انقلاب یعنی نیروهای

اجتماعی خواستار حل انقلابی این تهاها و ضد انقلاب یعنی نیروهای اجتماعی که خواستار حل این تهاها در چهارچوب نظام موجود میباشد وجود ندارد. در چنین کفاکی است که طبقات اجتماعی مختلف بنا بر منافع آنی و آتی (طبقاتی) خود به کفاکی کفاکی میشوند.

۴- نقش مبارزه طبقاتی

بر بستر این پویائی دیالکتیکی ساختار اقتصادی - اجتماعی است که طبقات شکل میگیرند، رشد میکنند و تغییر مینمایند ارتباط این طبقات با یکدیگر در حد نهائی توسط تهاها در جامعه تعیین میگردد. - عبارت دیگر آرایین طبقاتی و شکل های طبقاتی خود بازگو کننده دینامیک تهاهای عینی در جامعه که سرچشمه خود را در نحوه تولید حاکم و سیر فرمایشون اجتماعی - سیاسی دارد و درجه آمادگی سیاسی و آگاهی طبقاتی طبقات انقلابی میباشد. اهمیت تعیین طبقاتی که در مرحله ای خاص با یکدیگر اتحاد مینماید تا به شیوه ای انقلابی به حل تضاد های اجتماعی بپردازند در متدولوژی لنینس کاملاً مشخص میباشد. این امر نه تنها در تعیین تاکتیکها، استراتژی، شعارها و تناسب قوای طبقاتی عامل اصلی میباشد بلکه در تعیین ماهیت و شیوه حکومتی که جایگزین روینای سیاسی کهنه میگردد نیز موثر میباشد.

نقش مبارزه طبقاتی در تعیین مرحله انقلاب یکی از پروبلماتیک های تئوریک و متدولوژیک میباشد. وجه افتراق در ماهیت تاریخی مبارزه طبقاتی میباشد یعنی اینکه آیا مبارزه طبقاتی بمنشوان موتور حرکت تاریخ خود تعیین کننده نهائی بشمار رفته و از استقلال تعیین کنندگی برخوردار است و یا اینکه در ارتباط با شیوه تولید و تهاهای اساسی ناشی از آن است که مبارزه طبقاتی تأثیر پذیرفته و در آرایین خود مرحله انقلاب را تعیین مینماید. اهمیت ساله بر سر شناختن / بقیه در صفحه ۱۷



طرح متدولوژی یک مرحله انقلاب

تاریخی و مرحله‌ای مبارزه طبقاتی میباید. ^{بقیه از صفحه ۱۱}
 آمده‌ای که تحلیل را به مبارزه طبقاتی رسانده و آنرا بعنوان تعیین کننده نهائی قلمداد میکنند ترك ما ترالیستی از تاریخ نداشته (نه ترك جبر تاریخی و یا اكونومیستی) و عمدتا بدیده مبارزه طبقاتی را تاریخی نمی بینند برای آنها مبارزه طبقاتی بعنوان عكس عرضه بدیده ها قابل لمس بوده و میتواند به تجربه درآید و در اینصورت سایر مقولات را مثل شیوه تولید تجربیدی و انتزاعی دانسته و صرفا به تحلیل مبارزه طبقاتی میردازند. بطور مشخص پلانتراس یکی از شورسین های این طرز تفکر میباید که از نظر ما همانطوریکه قبلا اشاره شد در ماهیت آن شیوه تفکر بورژوازی نهفته است البته بحث عمده در کنار این امر رابطه مبارزه طبقاتی و شیوه تولید و نوع تراسیون اجتماعی میباید. اگر چه مبارزه طبقاتی میتواند از اشکال متنوعی برخوردار باشد ولی در یک دوره تاریخی این اشکال خود بوسیله مناسبات تولید و توزیع تعیین و محدود میگردد. البته شیوه و نوع تعیین کنندگی میتواند مورد بحث واقع گردد ولی تعیین کننده نهائی این مبارزه طبقاتی همان شیوه تولید میباید که با اندکی تعمق در آثار مارکس و انگلس میتوان این نکته را بسادگی دریافت و با تحلیلی ماتریالیستی از دیالکتیک تاریخ نیز میتوان صحت آنرا دریافت و با تحلیل خود اشاره میکند که شناخت طبقات و مبارزه طبقاتی از ابداعات و نبوده است چنانکه ناسمنان بورژوازی نیز از آنها صحبت کرده اند. آنچه که مربوط به نوآوری او میشود همانا دادن بعد و مفهوم تاریخی است که او به طبقات و مبارزه طبقاتی بخشیده با در ارتباط قرار دادن آن با رشد مادی نیروهای مولد و روابط تولیدی در دوران مختلف یا بطور مثال بحث انگلس در مورد قهر و اینکه چگونه در تحلیل نهائی زیربنای اقتصادی تعیین کننده شیوه و ماهیت کاربرد قهر میباید بهترین

و روشنترین مثال میباید. عموما این سوال که چرا شکل مبارزه طبقاتی در دوران برده داری، شورش های دهقانی، و یا اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگری با هم متفاوت میباعدند و تشکیلاتی مثل اتحادیه را نمیتوان در شورش های دهقانی یافت در حقیقت ریشه در این رابطه دارند. البته با طرح این سئوالات موجودیت مستقل مبارزه طبقاتی که بآن صلت متفاوتی میبدهد مورد بحث است و نه استقلال نسبی آن. ترك این مسئله از آنرو اهمیت دارد که با توجه به رشد نیروهای مولد در روابط تولید و مناسبات اجتماعی درون یک جامعه و توانائی تاریخی آن است که میتوان علیه هر طواهر عرضی رابطه بین طبقات به رابطه تاریخی و مرحله‌ای طبقات نیز توجه نمود و این طواهر را در آن راستا مورد توجه قرار داد. چنانکه چه بسا تضاد بین نیازهای آئی و آئی طبقه کارگر بوجود میآید و شناخت تاریخی و نه تجربی بر این خواستها و آگاهی است که اولاً ما را در دام آگاهی دروغین و اشتباه (False Consciousness) تیانداخته و تانیا رابطه دیالکتیکی را میتوان بین تاکنیک و استراتژی تعیین نمود. این نکته بخوبی در آثار لنین میتوان بدیاری خود را هر چه بیشتر نشان دهد. در سال ۱۹۰۵ نقش دهقانان در انقلاب و خواسته های آنها و وظیفه پرولتاریا در اجرای این وظایف که ماهیت بورژوازی دارند بخوبی روشن است و دهقانان بخش وسیعی از طبقه مورد استثمار را تشکیل میدهند در حالیکه در سال ۱۹۱۷ دهقانان اگرچه تاحدی از رفاه های مختلف بورژوازی متمتع شده اند ولی نهایتا هنوز ساله ارضی برای آنها حاصل نشده است و این تضاد که توسط بورژوازی و فرمایش قابل حل نیست تنها با انقلاب قابل حل میباید لذا پرولتاریا با توجه به این وحدت منافع مرحله‌ای است که دهقانان را بعنوان متحدین خود ارزیابی کرده و بیپایان و انجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک را بعهد میگیرد. در این تحول طبقاتی آنچه که باقی میماند در حقیقت

شناخت تاریخی است بر بویائی طبقاتی اتفاقا در همین رابطه است که لنین تعریف و اعتراض به شعار " دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان " و مفهوم " راه واحد " را ناعی از بین کسان میباید که به ساله اراده واحد و یا وحدت منافع نه از جنبه تاریخی و مرحله‌ای خود و در تکاپو و بستر تضادهای جامعه بلکه بصورت متفاوتی و تجربیدی مینگرند. در متدولوژی لنین، تناسب طبقاتی قوای انقلاب (شناخت و عمل) صلت اصلی مرحله انقلاب را تعیین میکند بدین معنی که چگونه انقلابی ترین طبقه از نظر تاریخی صف بندی خود را در اتحاد، به طرف نگاه داشتن و ضمیمت با طبقات دیگر تعیین میکند و چگونه با ارائه عمل این دینا میم تناسب طبقاتی را سمت می میکند. لنین در پاسخ به اتهامات کائوتسکی میگوید " میرا انقلاب صحت و قضاوت ما را تائید نمود. ابتدا با اتفاق " تمامی " دهقانان علیه سلطنت، علیه ملاکین، علیه نظامات قرون وسطائی (تا اینجا انقلاب بورژوازی - دموکراتیک است) سپس با اتفاق دهقانان تهیست، با اتفاق نیمه پرولتاریا و با اتفاق همه استثمار شوندگان علیه سرمایه داری و از آنجا علیه ثروتمندان روستا، کولاک محترکین (در اینجا دیگر به انقلاب سوسیالیستی بدل میگردد). لنین مهمترین مدرک این تغییر صلت و مرحله انقلاب را درجه آمادگی پرولتاریا، اتحاد وی با تهیستان روستا، و شهر میداند. لنین در مقطع انقلاب ۱۹۱۷ برپاساختن شوراهای بعنوان عالی ترین نوع دموکراسی و جلب توده های کارگران و دهقانان به سیاست را هواسنج بسیار حساسی برای نمایش درجه ارتقا و سطح بلوغ سیاسی و طبقاتی تودهها میداند. چنین شناختی از بویائی طبقاتی است که لنین در سال ۱۹۰۵ اجرای وظایف بورژوازی را بوسیله پرولتاریا مطرح میکند در حالیکه در ۱۹۱۷ بیپایان رسانیدن و انجام مرحله انقلاب دموکراتیک را مطرح مینماید. با همین بینش است که در رابطه

طرح متدولوژیک مرحله انقلاب

با انقلاب ایران رفقای فدائی به وظیفهٔ بهایان رسانیدن انقلاب دموکراتیک ایران که توسط بورژوازی در نیمه راه متوقف گردیده و بورژوازی بطور عینی بی لیاقتی تاریخی خود را در انجام وظایف به توده ها نشان داده است آغاز مینماید. و از اینروست که حل بسیاری از تضادهای حکومت فلسفی بخاطر ماهیت طبقاتی خود قادر به حل قطعی آنها نمیباشد و لذا پایهٔ عینی مقابندی های طبقاتی میگردد مثل مسئله ارض مسئله ملی، آزادیها و غیره پهن شده حکومت انقلابی آینده واکتار میشود که بتواند حل این تضادها را به بهایان رساند انجایی که دیگر با ماهیت رفرمیستی - بورژوازی امکان پذیر نمیباشد.

لنبن با توجه به ساخت عقب مانده روسیه انتقال به سوسیالیسم را بدون یک سلسله گذارها و طی مراحل گذاری غیر ممکن میدانند. در همین رابطه لنبن در پاسخ به کاتوتسکی در ماهیت و چگونگی این گذار مطرح میکند که "ما بلشویکها به دهقانان کمک خواهیم کرد تا دوران شمارهای خرده - بورژوازی را سبزی سازند و با سرعت هر چه بیشتر از این شمارها دست کشیده و به شمارهای سوسیالیستی بپردازند" و بالاخره لنبن در طرح سیاست مارکسیستی بلشویک در جامعه روسیه چنین میگوید "با دهقانان تا پایان انقلاب بورژوا - دموکراتیک و با بعضی تبهبست، پرولتر و نیمه پرولتر دهقانان یعنی بسوی انقلاب سوسیالیستی".

البته نقل قولهای ذکر شده نه از جهت مالگو برداری از جامعه روسیه و نه از جهت دادن اعتبار به بحث مقاله آورده شده بلکه برای بررسی بینش و متدولوژی لنبن در برخورد به طبقات و آرایش طبقاتی و ارتباط آن با مرحله انقلاب آورده شدند. حکم کلی که میتوان از این مطلب گرفت این خواهد بود که در هر مرحله از شرایط عینی و درجه آگاهی سیاسی و طبقاتی مبارز دنیا میم اتحاد طبقاتی بین طبقاتی کسبه بخاطر تضادها و منافع مشترک در حرکت

انقلابی قرار میگیرند به ندرجه بدگسری طبقات اجتماعی در برهم زدن نظم کسوسی و ساختن یک نظم نوین بستگی دارد.

همانطوریکه در ابتدای مقاله ذکر شد یکی از عناصر اصلی طرح مرحله انقلاب ارائه مضمون و شکل روبنای جدید است که بایست جایگزین روبنای کهنه که توسط انقلاب درهم شکسته خواهد شد گردد. نحوه برخورد به این سؤال از نحوه برخورد به سئوالات دیگر نمیتواند خارج باشد لذا مجددا بحث در چهارچوب همان دو نحوه قبلی که ذکر آن رفت دنبال میشود. در این بخش عمدتاً بحث حول دو شکل روبنای است که از طرف رفقای فدائی (ا.ک) بعنوان "جمهوری انقلابی دموکراتیک کارگران و زحمتکشان شهر و روستا" و از طرف رفقای (ا.ق) بعنوان شوراهای کارگری مطرح شده است رفقای (ا.ق) طرح "جمهوری دموکراتیک" را نفی نموده چون ماهیت طبقاتی آنرا بورژوازی

میدانستند زیرا که هر نوع حکومت جمهوری دموکراتیک حاکمیت بورژوازی دارد ولی این رفقا بهیچ وجه به سئوالات اساسی که بایست چنین شکلی از حکومت جویگو باشد پاسخ ندهاده اند. همانطوریکه لنبن اشاره میکند، نیروهای انقلابی بایست مشخصاً به سؤال - اینکه چگونه میتوان از سرمایه داری به سوسیالیسم رسید جواب دهند. بایست توضیح دهند و تصریح نمایند که ماهیت طبقاتی روبنای سیاسی که وظیفه گذار از این دوره انتقالی را بعهده دارد چیست - برنامه های دموکراتیک و سوسیالیستی را معض سازند و رابطه طبقات و منافع و پیگیری طبقات در این روبنا معین گسرد. لنبن در شرایط روسیه - ال ۱۹۰۵ نشان میدهد که چگونه حکومت "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک" ممکن است او تصریح میکند چه طبقاتی در این حکومت شرکت دارند و اینکه ماهیت طبقاتی این دیکتاتوری از نقطه نظر تاریخی چیست و حاکمیت این روبنای سیاسی چگونه میباید (یعنی دیکتاتوری دموکراتیک) شیوه ساختن آن نیز با توجه به سرکوب - قهری ضد انقلاب و برپا ساختن قباذهای

توده ای و پرولتری و تسلیح توده های انقلابی میباید. همچنین لنبن مطلقاً در رابطه با حاکمیت گذار و انتقالی این حکومت که از نظر تاریخی موقت میباید و زمینه و بهی - شرطهای لازم را برای ضرورت تنادم مبارزه تا برقراری سوسیالیسم و از آنجا تا رهائی کامل طبقه کارگر از قید هر گونه ستم و استثمار است صحبت میکند. بهر صورت چیزیکه در متدولوژی لنبن مشخص است تشخیص و تحلیل از رابطه دیالکتیکی بین مرحله دموکراتیک انقلاب و مرحله سوسیالیستی آن میباید که حاکمیت دوره انتقالی است و این دوره انتقالی شکلیای روبنای سیاسی خود را خواهد داشت که با ترکیب طبقاتی که در آن مرحله دارای وحدت ارايه و منافع میباشد مشخص میگردد. سئوالاتی که در اینجا ممکن است طرح خود این است که آیا دیکتاتوری چند طبقه امکان پذیر است؟ در پاسخ بایست اشاره کرد که اولاً زحمتکشان شهر و روستا طبقه محسوب نمیشوند تا آنها با مقوله "دیکتاتوری نمیتوان بصورت متافیزیکی برخورد نمود چنانکه مارکس و لنبن نیز در نوشته های خود یکی از حاکمیت های دوران - انتقالی را ائتلاف طبقاتی و تجسم این ائتلاف در قدرت سیاسی میبینند. تنها زمانیکه این قدرت تحکیم میگردد دیکتاتوری یک طبقه عیان میگردد. از اینرو در دوره انتقالی اگر چه طبقات مختلف قدرت سیاسی را بنحوی در اختیار میگیرند ولی اینکه سمت حرکت در جهت یا ز تولید چه نظام اجتماعی میباید میتواند مضمون دیکتاتوری و نوع حکومت را معین نماید. این مضمون از نظر لنبن با میزان درهم شکستن نظام قدیم و برپا ساختن نظام نوین مشخص میگردد که این خود بستگی مستقیم به ماهیت تضادها نه تنها در نظام داخلی بلکه در ارتباط با نظام جهانی دارد که این مجموعه دارای پویایی بوده و این دنیا میباید میتواند مضمون را متروک و یا متعبد و غیر ممکن سازد. بطور مثال اینکه لنبن هیچگاه از دموکراتیک و سوسیالیسم با مضمون پرولتری صحبت نکرده است



طرح متدلوزیک مرحله انقلاب

و اینکه گفته شود مضمون دیکتاتوری انقلابی دمکراتیکه دیکتاتوری بورژوازیست (ترسان ۱۹۰۵) تنها یک برخورد منافذیزیکی میباشد زیرا که در آن شرایط رفرمهای بورژوازیسی امکان پذیر بود چنانکه بورژوازی لیبرال نیز انقلابی میگردید ولی با تغییر ماهیت انقلابی طبقات مضمون این دیکتاتوری نیز تغییر مییابد. از اینرو با در نظر گرفتن ماهیت تضادها در شرایط خاص و اینکه این تضادها با رفرمهای بورژوازی بهیچ وجه قابل حل نمیباشد و از طرف دیگر با در گهر شدن بیشتر در عیتم جهانی سرمایه داری و بازتولید داخلی بدون ارتباط با بازتولید جهانی امکان پذیر نمیباشد مگر اینکه این بازتولید داخلی در جهت سرمایه داری بوده بلکه در خدمت تغییر این شیوه تولید باشد بطور مثال کوبا و نیکاراگوئه امروز که عملکردها و نیاستهایشان نه در خدمت و سمت باز تولید سرمایه داخلی و سرمایه داری جهانی بلکه در جهت محدود ساختن و بالآخره از هم باغیدن آن شیوه تولید میباشد. از اینروست که میتوان مضمون دیکتاتوری این دوره انتقال را پرولتری دانست و بالطبع چنین سمت گیری نمیتواند بدون همزمنی پرولتاریا صورت گیرد. در این دوره انتقالی که بازتولید یک شیوه تولید محدود و بالآخره درهم شکسته میشود و در همان فرآیند پیش شرطهای شیوه تولید نوین پایه گذاری میگردد و امکان بازتولید آن فراهم میشود رابطه دیالکتیک بین انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی قابل درک میباشد که این مضمونی بجز مضمون پرولتری نمیتواند داشته باشد.

عینی و ماهیت طبقاتی این پیش شرطهای سوسیالیستی شوال میگردد. تنها موردی که این گروه در تأکید عورا مطرح میکنند نطفه های عورا در اوان قیام بهمین است ولی آنها منحصی نمیازند که اولاً این شیوه ها در چند کارخانه و یا موسسه و یا چه ویژگیهای شکل گرفتند و نقی نبروهای کمونیستی در این عوراها چه بوده و مهمتر اینکه آیا این عوراها آنهاست که در روسیه اتفاق افتادند از آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان داشتند و یا اینکه تنها حرکتی خود بخودی بشمار میروند. مشکل آنها این است که به مقوله ای چون عورا بطور مجرد و منافذیزیکی برخورد کرده و آنها خارج از بستر شرایط عینی مورد بررسی قرار میدهند از اینروست که رابطه این عوراها چه قبیل از انقلاب و چه پس از آن با حزب پرولتاریه دیکتاتوری پرولتاریا چگونه خواهد بود. چرا اصولاً آنها شکل شورائی را جها نضمول میدانند و نه شکل کمونی را مگر نه اینکه اعتبار کمون پاریس بعنوان شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا توسط مارکس تصریح شده است؟ در این رابطه رفقای (الحق) سعی مینمایند نشان دهند که شکل شورائی عیسه شکل روسی دیکتاتوری پرولتاریا (آنها نکه لنین تصریح میکند) بلکه شکل جها نضمول میباشد. باید توجه داشته باشیم که لنین در جواب به کاشوتسکی که در صدد تحریف ماهیت طبقاتی این عوراها بویژه عورا های لهقانی بوده و آنها را در خدمت خرده بورژوازی و نهایتاً بورژوازی قلمداد میکند برخورد مینماید و برای جلوگیری از تحریف آن در بین توده پرولتاریای اروپا

از آنها دفاع نموده و مطرح میازد که این عوراها اینک بعنوان یک شکل از دیکتاتوری پرولتاریا مهر و نشان خود را بر جنبش کارگری جهانی زده است و عام بسودن شکل شورائی را مطرح نمیازد یعنی آنچه از آنجا نیکه که توسط رفقا مطرح میگردد. از آنجا نیکه بحث راجع به عوراها بعنوان شکل دیکتاتوری پرولتاریا و مقایسه آن با جمهوری دموکراتیک انقلابی ۳۰۰۰ از حومه این بحث خارج است لذا صرفاً از نقطه نظر برخورد متدلوزیک به رویای سیاسی دوره انتقال به همین مقدار اکتفا نموده و بحث مفصل آنرا به مقاله دیگری واگذار مینمائیم.

در جمعیندی از بحثی که در این مقاله آمد چنین میتوان نتیجه گرفت که رابطه نزدیکی بین شیوه تفکر و روش شناخت وجود دارد و اگر تحلیل بر اساس شناخت دیالکتیکی در خدمت تغییر نباشد عموماً قادر نیست به مسائل خاص انقلاب و چون تعیین مرحله انقلاب کمک نماید. چنین سعی عد که نشان داده شود چگونه در روش لنینی برخورد به مرحله انقلاب از واقعیات جامعه یعنی تضادهای آن در بعد دینا مهک شروع نموده و بر اساس شناخت و ساخت اقتصاد سیاسی جامعه که متکی بر شیوه تولید میباشد آرایشی طبقاتی تعیین میگردد و این آرایشی طبقاتی نقی تعیین کننده ای در نبروهای انقلاب یارد که خود نیز نهایتاً در بعد تاریخی بسا تضادهای شیوه تولید تعیین میگردد و بالآخره همین آرایشی طبقاتی است که محتوی طبقاتی و شکل حکومتی را که رویای سیاسی این تحول نظام کهن به نظام جدید را بعهده خواهد داشت و تعیین و منحص میازد.

رژیم و مسئله مسکن

ملکوتی نماینده خمینی جلاد در آنریا بجان غربی و امام جمعه تبریز در مورد تقسیم زمین در دوره سه ساله جمهوری اسلامی گفت: " زمین های مرغوب در جاهای مرغوب به بچه های طبقه اول و مرفه جامعه داده شده است چرا که پدران نشان پول کلان داشتند و بلافاصله عروج به ساختمان کردند. طبقه دوم جامعه هم به زمینهای درجه دوم رسیدند و با استفاده از پس اندازهای که داشتند و وامهایی که از بانکها گرفتند صاحب خانه شدند اما طبقه سوم یعنی طبقه مستضعفان صاحب زمین و نه قارای مسکن شدند."

چرا نشریه انجمن های دانشجویان مسلمان

شماره ۴۲ در علیگر هند پخش نشد!

رفقا و دوستان مبارز!

در نشریه شماره ۴۳ هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در اروپا و آمریکا به رابطه با عبادت رفیق فدائی شهرام میرانی ترشیر علیگر و عملاً عمل هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در هند با آن واقعه و مطالبی سرابا، دروغ و تحریف آمیز و در عین حال چنان مفرزانه ترشیر گفته است که مارا بر آن دانت نکاتی چند را در این مختصر به اطلاع دانشجویان مبارز برسانیم.

ما در این مقاله سعی نداریم که کلیه عملکردهای سازمان مجاهدین و نتیجه "خرابی ملی مقاومت" را مورد بررسی قرار بدهیم، هر چند که منتقدیم کلیه عملکردهای مجاهدین و هواداران در شرایط حال الزام نمیتواند جدا از روند حرکت این سازمان مورد بررسی قرار گیرد. ولی ذکر این نکته بی اهمیت نخواهد بود که ما در گاهنامه شماره ۱ (نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) طی همداری که به هواداران مجاهدین تریبی میاستهائیم که عموماً در هند از آن بهروری میکنند، داده بودیم خاطرنشان شدیم که آنها بدنبال آنکه فکر میکنند در ایران به اصطلاح آلترناتیو هستند (زبا اغنشیاستهائی چون تک روی و الگوبرداری از جنبی دانشجویی اروپا و آمریکا و بدون در نظر گرفتن شرایط خود ویژه هند سعی دارند به هر نحوی هر چند ناصحیح به این تعهدات را نگار خود جامه واقعبیت بپوشانند و اینطور وانمود کنند که تنها نیروئی هستند که فعالیتها را در ایران گام بر میدارند و برایشان مهم نیست که از چه کانی و بیجا چه برنسیبی آنرا به اثبات برسانند. شاید آن چند سطر در گاهنامه شماره ۱ آنطور که باید به این مهم تیرداخته باشند ولی امروز با خواندن نشریه هواداران مجاهدین شماره ۴۳ میتوان تیربار به بسیاری از سیاستهای این دوستان به قضاوت نشست.

به نظر ما چگونگی برخورد به مسائل اجتماعی بهترین جهت شناسائی یک نیروی اجتماعی است. برنسیب انقلابی را نمیتوان به جدا از برخوردی جداگانه به مسائل دانست ولی آنچه که دوستان مجاهد در نشریه ذکر کرده اند و بعنوان خبری از هند بدون در نظر گرفتن هیچ برنسیبی فقط جهت تغییر سازی و بدنبال خط مشی خاص که همواره در نشریه مجاهد خارج از کشور صافند خط زردی نمایان است و هیچ قصد دیگری نداشته مگر فریب توده ها و پشتها زدن به معیارهای انقلابی.

این دوستان در نشریه اخیر خود بوضوح نشان داده اند که چگونه درگیر جنگی سرخست با واقعیت اند، با این قصد آنچه را که مادیت دارند و بالفعل عمل میکنند منکر شوند تا شاید با انکار واقعبیت فرض خود را به اثبات برسانند و آنرا آنچه که خود می نویسند نامی از خود بپایند و داستانی را که خود نقل میکنند قهرمانی بافتند.

بدنبال چنین تفکری است که هواداران مجاهدین بعد از شرح مختصری از چگونگی شروع ماجرای خود را بر آن داشته اند تا حدی ممکن به سبک همیشگی خبر سازان باشند و غیر را مهج - تر ساخته و تاثیرات فاحش کمبود قهرمان همیشه حاضر را جبران کنند و در این رابطه - چنین می نویسند:

"عکس العمل هواداران چریکهای فدائی (اقلیت) بسیار پاسیو و منفعل بود. من باب مثال آنها حتی در تبعیح جنازه این شهید هم خیلی مجنون شرکت نمودند. بطوریکه فالانوها و قیاده جرات پیدا کردند که بهر که شهید را از دست آنها ربوده و خوششان مخفانه دفن کنند."

براستی دوستان مجاهد و میتوان این نوشته را فقط یک اشتباه در گزارش نمی به نشریه - مجاهد تلقی کرد و حاضر به تکذیب آن نمود چرا که جسد تحت فشار پلیس قاعبت هند به سینه دوستان شهرام که در این جوان درگیری قرار داشتند در علیگر بهاک خبرده شد و آنها میتوانند منکر این شهید که تنها کسانیکه در مقابل فشار پلیس بیای از همه مقاومت کردند و رفقا نخت و پسر هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و چند دانشجوی دمکرات عضو کانون بودند. براستی از خود سوال کرده اند در هنگام درگیری با پلیس کجا بودند که تا بعد بی عملی ما نبودند. از خود عملی انجام ندادند.

آری در هند انگشت شمار دانشجویانی حتی از خود دوستان مجاهد را میتوان یافت که ماجرای را که مجاهد شماره ۴۳ به نقل آن برداشته باور داشته باشند و شاید به همین دلیل و دلایل دیگر باشد که این شماره مجاهد در شهر علیگر پخش نمیشود. و اما به دنبال چنین خط مشی در قبال جنبی دانشجویی و نیروهای انقلابی است که نشریه هواداران مجاهدین چنین اقدام میبندد:

"و تا سافت آرت را اینکه حتی در رابطه با این جارت ضد انقلابی فالانوها نیز هوا - داران اقلیت (علیرغم پیشنهاد صراحت هواداران مجاهدین و اعلام آمادگی آنان برای هر گونه اقدام اعتراض و افشاگرانه در این مورد) هنوز برخورد فحالی نکرده اند."

مروزی بر جمعیت های رفیق جزئی

بلیه از صفحه ۲۷

جامعه با انگیزه روشنفکری (در نتیجه - تاثیر فرهنگ متروپلیا) در برابر شیوه - دیکتاتوری رژیم ابراز ناراضی می کنند و حتی بخشی از روشنفکران این جامعه با انگیزه آگاهی بر ضد موقعیت طبقاتی خود بر می خیزند و بخصوص در شرایط دیکتاتوری بر علیه رژیم دست به مبارزه میزنند.

پنجمین صلت عمده - سرمایه داری وابسته -
دیکتاتوری سلطنتی

رفیق جزئی، دیکتاتوری رژیم را یک صلت ذاتی چه سیستم فتودال کمپرادور و چه سیستم سرمایه داری وابسته می شناسد که بقول او در مجموع بیی از پنج دهه برای ایران حاکم بوده است رو بنای سیاسی نیمه - دموکراتیک در دوره های کوتاه سالهای جنگ جهانی دوم و در سالهای جدید ملی شدن نفت را، رفیق جزئی یک صلت استثنائی و حتی تعمیلی بر سیستم میداند.

وی ضرورت دیکتاتوری رژیم و حاکمیت متکی بر سرنیزه توسط ارتجاع داخلی و - امپریالیستهای خارجی را در نیاز انسان به سرکوب جنبی خلق در رهائی اثر از استثمار و ستم خارجی و داخلی می شناسد. جزئی اعتقاد دارد که چون استثمار و ستم داخلی و خارجی (از سوی امپریالیستها و طبقات حاکم داخلی) = جنبی قاطع خلق را برای رهائی خود برمی انگیزد، از اینرو جنبی در شرایط نیمه دموکراتیک بسرعت رشد خواهد کرد و از نظر سیاسی و نظامی به جنبی براندازنده سیستم تبدیل میشود. جزئی در برخورد به نهاد هائی چون انتخابات، پارلمان، انجمن ها و - اتحادیه ها (این به اصطلاح نهاد های دموکراتیک جامعه) آنها را فقط ظاهری می بیند و "بها و پهلای" می بست. دیکتاتوری جزئی یعنی بهی می کند که هرگاه شرایطی رژیم را وادار کند تا - برخی از حقوق مردم را مراعات کند، چنین حالتی به هیچ وجه پایدار نبوده و در اولین فرصت از سوی ارتجاع بهم میخورد و دیکتاتوری (یعنی از دیدگاه جزئی این چهار اساسی سیستم وابسته) از پس آن بیرون میاید. جزئی در - برخورد به شکل دیکتاتوری در ایران آنرا در دورانی ده دوم سلطنت رضا خان و از سال ۴۲ بپمد سلطنت محمد رضا شاه، دیکتاتوری سلطنتی می شناسد و در مقابل در دورانی ده اول سلطنت رضا خان و سالهای ۳۲ تا ۴۲ محمد رضا شاه آنرا دیکتاتوری اشراف فتودال کمپرادور در ایران



مروزی بر جمعیتهای رفیق جزئی

بقیه از صفحه ۲۰

معرفی میکند. دیکتاتوری اشراق -
فتوئال کمپرادور بدین معنی است
که نمایندگان طبقات و عوامل ارتجاعی
داخلی و خارجی بصورت رجال سیاسی و
نظامیان مقتدر همراه با تریبار و
اغلب با حمایت روحانیت بزرگ حکومت
میکردند یعنی اینکه تریبار و شاه همه
قدرت را قبضه نکرده بود. در حالیکه
دیکتاتوری سلطنتی در دیکتاتوری شخص
شاه و خانواده سلطنتی متجلی است -
جزئی معتقد است که تفکیک این دو صورت
دیکتاتوری از هم در تعیین یک منشی
انقلابی مهم است و او خود قدمی در -
تشریح ویژگیهای دیکتاتوری سلطنتی
برمیدارد.
تمرکز فوق العاده قدرت در دست
شخص شاه و خانواده سلطنتی بطوریکه
میدان عمل عناصر نظامی و سیاسی دستگاه
حاکمیت کاملاً تحت کنترل او در میآید و
نیازهای مستیدانه شاه و خانواده -
سلطنتی در گره حاکمیت تعیین کننده
میشوند و شاه در تمام عئون تصمیم
میکگیرد و نظارت تمام دارد و این در
نهایتی ترین مرحله رشد خود بصورت حکومت
فردی ظاهر میشود .

مکانیزم اعمال دیکتاتوری تا مرحله
عصوت فاعلیتی سلطنتی از سوی شخص شاه
پیش میرود بدین معنی که دارو نسته
حاکم تنها برای حفظ منافع طبقاتی را
که نمایندگی میکنند اعمال قدرت نمیکند
بلکه با فراتر گذاشته در راه حفظ
موقعیت سیاسی خودشان و در ارضای جاه -
طلبیهای بی حد و حصر شاه و تریباریان
از هیچ کاری رویگردا نمیروند و نسبت
به قهر ضد انقلابی و عصوت لجام گشخته
میزنند که حتی میتوانند موقعیت کلیسی

استثمار گران خارجی و ارتجاع داخلی را بخطر اندازند.

رفیق جزئی پس از تشریح این دو -
ویژگی میخاهد به ارتباط نحوه سهم بری
اقتدار استثمارگر داخلی و امپریالیستهای
حاکم و به نقش سیاسی آنها در نظم -
دیکتاتوری سلطنتی بپردازد تا تر منشی
انقلابی خود را که برای بهخیرد -
مبارزات طبقاتی مردم ایران طرح میکند
بازگو نماید .

او میگوید در دیکتاتوری سلطنتی
بعلت اعمال دیکتاتوری فردی نقش سیاسی
ارتش و هیأت دولت مروحانیت و بالآخره
پارلمان که صورت اهرم ها و تریبونهای
در خدمت اقتدار استثمارگر داخلی و
امپریالیستهای حاکم هستند بسیار ضعیف
عده است و حتی معتقد است که آنان حقوق
خود را کاملاً از دست میدهند . در اینبار
به مقایسه دو دوره دیکتاتوری سالیهای
۱۳۳۲ (آرستوکراسی) و سالیهای بعد از
۴۲ مهربادزد و نشان میدهد که چگونه در
دوران اول امرای ارتش و سیاستمداران
مجلسین شاه و شورای ملی نقش تصمیم گیری
داغندند و در دوران بعد این نقش را از -
دست داده اند. جزئی مثلاً حتی در بعضی
روحانیت و نقش پروردی را از مزاد ۲۲
تا آغاز اصلاحات ارضی با نقش روحانیت
بعد از اصلاحات ارضی نشان میدهد و بالآخره
با مقایسه نقش دولت منصور با دولت
هویدا طرح میکند که چگونه دیکتاتوری
سلطنتی تمام اهرمهای دستگاه حاکم را
بدست یک فرد قرار داده است و به همین
ترتیب در ارتباط با نقش امپریالیستها
در این دوران جزئی نشان میدهد که این
شخص شاه است که بنا بر منافع و موقعیت
خود برتری یک امپریالیست را در جامعه
می پذیرد و اساساً در بین حضور -
امپریالیستها در جامعه خود قدرت مانور

را بدست میگردد و در تقسیم غنائم یکی
را بزرگتری ترجیح میدهد البته این
بدان معنی نیست که شاه همه را از محله
بمرون میکند و هیچ امکان ابراز ناراضی
از سوی جناحهای مغلوب در حاکمیت و با
سوی جناحهای امپریالیستی دیگر وجود
ندارد. بلکه مسئله از دیدگاه رفیق -
جزئی این است که دیکتاتوری سلطنتی
منافع و مصالح قشرهای مختلف بورژوازی
کمپرادور و امپریالیستها را به نحو
یکسانی در نظر نمیگیرد و بدین ترتیب
امپریالیستها از طریق تقسیم تریبونها
و اهرمهای حاکمیت همواره برای کسب
سهم خود رقابت خواهند کرد و روی رژیم
فشار وارد خواهند آورد و در نتیجه شاه
گاه با یکی و گاه با دیگر جناحهای
امپریالیستی سرفشاخ میشود و بدین ترتیب
جزئی خواننده را بسوی تز خود هدایت
میکند: تقاضای داخلی و خارجی سیستم
حاکم گرد محور دیکتاتوری مقتدر جریان
میآید. تجلی تقاضای نیروی دستگاه
حاکم پیرامون دیکتاتوری ناراضی قشرها
و گروهها و جناحهایی که نه با سیستم
سرمایه داری وابسته بلکه با دیکتاتوری
فردی شاه برخورد دارند برای جزئی محتوی
با اهمیتی دارد زیرا تز او این است که:
" مبارزه با دیکتاتوری شاه عمده ترین
جنبه جنبش رهاشی بخش در شرایط -
دیکتاتوری سلطنتی است ."

۱۰۰۰ نامه دارد
* لازم به تذکر است که رفیق جزئی اغلب
آثار تئوریک ارزنده خود را در زندان
تألیف نموده است .

● بر اساس یک گزارش اقتصادی، رژیم
جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۰ دو میلیارد
دلار و در سال ۸۱ چهار میلیارد دلار -
کسری موازنه بازرگانی داشته است .
همین گزارش میافزاید در سال ۸۱ تا این
بزرگترین مانر کفنده به ایران و -
بزرگترین خریدار کالای ایران است .
● تقی با نکی سرپرست سازمان برنامه
اعلام کرد که گروهی از وزیستران و
"عصیت های" مملکتی مخالف
داغتن برنامه های اقتصادی و اجتماعی
هستند و میگویند که پیش بینی آینده
و برنامه ریزی آینده غیر ممکن است
● با کستان یا ارسال ۲۳۰۰ تن گندم
چانرات ۵۰ هزار تن گندم را به ایران
آغاز کرد .

● معاون وزارت نفت گفت در ایشتر -

بمباران با لاشکاهای مختلف کشور ظرفیت
بالایی تهیه فرآورده های نفتی از نفت
خام به ۲۵٪ کاهش یافته است و وی گفت
در حال حاضر روزانه ۲ میلیون لیتر بنزین
برای تامین جارف داخلی وارد کشور
میشود و نفت سفید نیز جیره بندی خواهد
شد .

● رژیم جمهوری اسلامی طی قرار دادی

۵ هزار دستگاه تراکتور از یک کارخانه
آمریکائی بیام جان فیتز که در جنوب
ترکیه است خریداری نموده

اخبار اقتصادی

● موسوی نخست وزیر جمهوری ضد خلقی
اسلامی اعلام کرد در بودجه سال جاری
۴۰ میلیارد تومان به مسائل جنگی -
اختصاص داده شده است .
● عبدالله جاسبی معاون نخست وزیر و
دبیر کل سازمان امور اناری و استخدامی
اعلام کرد در شرایطی که کشور در جنگ
بسر میبرد هیچ نوع افزایش دستمزد و
حقوقی را چه نسبت به کارمندان و چه -
کارگران به خاطر مسائل و مشکلات جنگ
نمی توانیم قبول کنیم .

چرا نشریه انجمن‌های دانشجویان مسلمان

شماره ۲۳ در علیگر هند پیش نشد؟!

بقیه از صفحه ۲۰

این نمونه برخورد مجاهدین چیزی نیست مگر همان خونمهوری بی‌بی که عمداً دچار آن است و بر اثر همین انحراف در طلب واقعیت میکنند و نمیدانیم شاید دوستان مجاهد در صدد فراموشی کرده‌اند که روز بعد از حادثه هواداران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران با به تحصن نخستین در شعبه سازمان ملل در دلی نو، مسئول سازمان ملل را واداشتند تا نسبت به عمل زنده و مسئولیت انتقال جسد رفیق را به دلی به عهده بگیرند. آنها شما به وسیله ما مطلع نشده و با ما در سازمان ملل تحصن نکردید؟ شاید هم عمداً فراموش کرده‌اید که کلیه اقدامات قانونی و تبلیغی از اولین دفاعی به سرعت انجام گرفت و از نمونه‌های آن ملاقات رفقای ما با وزیر کشور هند و نمایندگان پارلمان بامور مشترک و انعکاس وسیع آن در روزنامه‌ها و مجلات هند و خیرگزاریه‌های جهان را میتوان نام برد.

ولی تمام اینها شاید از نظر دوستان مجاهد میباشد بجز فراموشی سپرده شود که اینجمن غیر مسئولانه برخورد ما را به مسئله پاسپورتهایی میکنند و این روش را تا به آنها ادامه میدهند که تظاهرات مشترک ما و خونشان را در دلی نو که نیروهای هوادار راه کارگر و چریک‌های فدائیان خلق نیز در آن شرکت داشتند، انکار میکنند. اما آنچه که بیش از هر چیز از نظر ما مهم است تکرار واقعیت است که همه از چگونگی آن اطلاع دارند، بلکه افتاب‌های منی است که در هر لحظه سعی دارد در جهت منافع فرصت طلبانه خود واقیعات را دگرگون ساخته و به انقلاب دمکراتیک ایران ضربه وارد آورد و برای توجیه منی غلط و انقلاب نامیمون خود که آنرا در چنین بن بست‌ی قرار داده عمک‌ان بجز خود را مقصر اعلام دارد. در این پروسه حتی به تاکتیک‌های چوب بی هویت جلوه دادن نیروهای انقلابی و هواداران نیز متوسل شده و چنین می نویسند:

" این دانشجوی مبارز که از آرمان‌های انقلابی بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائیان خلق حمایت مینمود... "

این خود چگونگی تلاشی است بی نتیجه بر این دگم که شاید با توسل به گذشته بره افتخار سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران که جدا از روند انقلابی سازمان در حال حاضر نیز نبوده، برده سائری بر آنچه که خود میکنند و در آن بی اعتمادی بوده توده عربان است بیافکنند و عوام‌فریبانه بدون در نظر گرفتن روند حرکت تاراج و بطور متافیزیکی سعی در انکار پروسه تکامل دارد. تا شاید خود مقرر برای حیانتان باشد. ولی چه تغییر نام یک سازمان به میل خود و یا بی هویت جلوه دادن یک شهید به اکاذیبی اینجمن هیچ یک را انگشای مجاهدین از این بن بست که هر روز بیشتر در دام آن فرو میروند نیست و اینگونه کوتاه اندیشی‌ها نه تنها راه نجات نیست بلکه جز منافع ضدانقلاب نتیجه دیگری نمیتواند داشته باشد.

دوستان مجاهد قصد نصیحت‌های عوامانه را نداریم زیرا عمیقاً متقدیم آنچه که انحرافات را تصحیح میکنند تنها و تنها برخوردی انتقادی به خود، در پروسه مبارزه‌ای به‌گرم در جهت منافع انقلاب ایران است هر نیرویی که جز این و بی اعتقاد به توده‌ها حرکت کند و مبارزهای انقلابی را دگرگون جلوه‌گر سازد محکوم به نابودی است. آنکه رهائی را با اتکا به نیروی لایزال توده‌ها و در مسیر تکامل و نه در گرو مهره‌های پوسیده ارتجاع میبینند با انقلاب است و گرنه چرخ‌های سنگین انقلاب هر چه غیر از این را غرد و آنها را که بر بورژوازی تکیه دارند سرنگون خواهد کرده زیرا تنها تکیه گاه انقلاب پرولتاریاست.

آری باید به انقلاب توده‌ها ایمان داشت. چنین دانشجویی را جز "لایف‌آف آن بشار آورد و هر ضربه در هر شکلی به جنبش دانشجویی و بی‌اعتبار جلوه دادن آنرا ضربه به انقلاب تلقی کرد."

اتحاد - مبارزه - پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در عهد هوادار سازمان چریک‌های فدائیان شهریور ماه ۶۱
خلق ایران

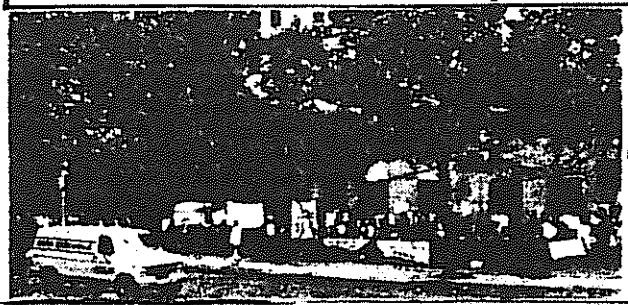
آخبار جنبش دانشجویی

تظاهرات

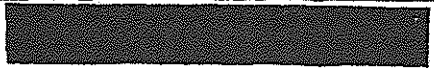
آمریکایی‌نویس در تظاهراتی که در روز ۱۲ اکتبر از طرف هواداران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران و سایر سازمان‌های مترقی دانشجویی بمناسبت سخنرانی ولایتی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل - برگزار گردید، بالغ بر ۱۲۰ تن شرکت نمودند. رژیم جمهوری اسلامی که چهره جنايتكارش با مبارزات درختان دانشجویی انتقادی در خارج از کشور در انتظار - جهانیان رسوا گشته، به‌مراه ولایتی - مزدور و از ترس همدی از پاسداران ضد خلقی را به‌مراه وی و جهت حفاظت از او گسیل داشته بود. همچنین رژیم بلیط بازیدکنندگان محوطه سازمان ملل را از قبل بیخ خرید کرده و در اختیار - مزدوران حزب الهی خود قرار داده بود و بالاخره با تمام این اوصاف درخواست نموده بود که وقت سخنرانی مزدور خود را بنبایه مسائل امنیتی تغییر دهند که این همگی نشان نموده اوج وحشیانه ارتجاع حاکم از مبارزات دانشجویان مترقی در خارج از کشور میباشد.

با تمام این اوضاع تظاهرات فوق بی موفقیت برگزار گردید همچنین خبرنگاران مختلف از جمله بی بی سی و چندین رسانه گروهی دیگر در محفل آکسیون حضور یافته و گزارش تظاهرات فوق را تهیه نمودند. در طول تظاهرات بیانیه‌ای که حاوی افشای رژیم بی‌بسیود به تراز چندین هزار بخش گردید و در یک لحظه بهنگامی که حزب الهی مل قصد نزدیک شدن به محل تظاهرات را داشتند با فریادهای کوبنده "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" "مرگ بر حزب اله" با بی فرار گذاشتند. آکسیون فوق در ساعت ۵ بعد از ظهر با قرائت قطعنامه‌های تظاهرات با موفقیت پایان پذیرفت.

بقیه گزارش مبارزات جنبش دانشجویی در صفحه ۲۵



عکس مقابل صحنه‌ای از تظاهرات دانشجویان مبارز را در مقابل ساختمان سازمان ملل نشان میدهد.



بقیه از صفحه ۱۲
(بهمن ماه ۵۹) در مورد مسئله زن نوشته شده است. اشاره می‌کنیم. در این مقاله **پیکا** با همان بیهوشی کارگر زن خود تلاش می‌کند مسئله زن را صرفاً مسئله زنان کارگر دانسته و صحبت از مسئله عام زنان و تعکيلات نمکراتیک زنان را به نفعانه ساز می‌طبقاتی و خدمت به بورژوازی قلمداد نماید. دید اکتونومیستی پیکار و عدم پیوند بین وظایف سیاسی استی و وظایف نمکراتیک و تقلیل هر مسئله اجتماعی به امور اقتصادی این سازمان را از برغورد صحیح به مسئله زن و جنیه نمکراتیک زنان عاجز کرده است. همانطوریکه مثلاً کومله از رابطه مبارزه ملی با مبارزه طبقاتی ترک‌نرستی ندارد پیکار نیز از ترک مسئله زنان و ارتباط دادن آن بطرز صحیح با مبارزه طبقاتی عاجز است.

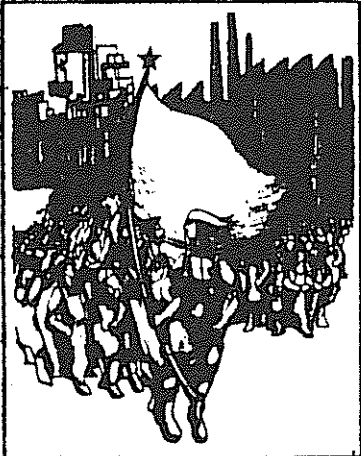
ب- در جواب آن عده که می‌گویند برای حفظ وحدت در جنبه کارگری و نیز پیوستن صفوف خلق نباید مسئله زن را نامن زد باید گفت که بطور است که ما در مورد تمام مسائل مورد اختلاف که حتی گاه جزئی تر از این مسئله است مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه سیاسی می‌کنیم و منتقدیم نباید در مورد اختلافات سکوت نمود ولی بر سر مسئله زن که مبرم بدلیل اینکه میان ما مثلاً مجاهدین خلق آزرده خاطر شوند و بین آنها یا سایر نیروهای انقلابی فاصله افتد باید سکوت نمود؟ غیر ما منتقدیم که مردم یکبار گول کلی بافی ها و وعده‌های خمینی را خوردند و امروز باید بسیار هوشیارانه نیروهای را که بصورت ادعای راسته آلترناتیو عفن را ناردند نظیر شورای ملی مقاومت" مورد ستاوه و بررسی قرار دهند. چرا که نکته‌ای که در او ان انقلاب بنان توجه نگریید این بود که اصولاً قوانین اسلامی بطور کلی با حقوق نمکراتیک و بویژه حقوق مرد و زن تعارضاتی ندارند و ایمن واقعیت نه تنها در اسلام خمینی و ولایت فقیه بلکه در اسلام "نقلابی" مجاهدین نیز

وجود دارد. لذا جمهوری نمکراتیک اسلامی که عورای ملی مقاومت طرح میکند خود دارای تناقض فروعی است و از اینرو سازمان مجاهدین خلق قادر نیست که نسبت به حقوق نمکراتیک بطور عام و تساوی مرد و زن بطور اخص مواضع مشخص بگیرد. و از اینرو از جواب دادن مستقیم به سئوالی که در مورد مسئله زن در اسلام از آنها می‌پرسد می‌رود و تنها به جوابهای کلی و ناکافی در این مورد اکتفا می‌کند. گویا نام مفهوم و مبهم بودن نظرات مجاهدین و عورای ملی مقاومت در مورد مسئله زن گریبانگیر افراد و گروههای مختلف عضو شورا نه‌سز گردیده است و باعث بوجود آمدن تناقضات و سردرگمی‌هایی در بین آنان شده است. طاقی نماینده عورای ملی مقاومت در آمریکا در سخنرانی که بمناسبت سالگرد تفکیر عورای ملی مقاومت در واغنگتن ایراد کرد در مورد مسئله زنان و حجاب می‌گوید " از نظر عورا این مسئله یک امر خصوصی تلقی می‌شود و عورا نه تنها در این مورد بلکه در هیچ یک از موارد دیگر زندگی خصوصی افراد تعالشی نخواهد داشت بجز ما این مسائل اساساً با زور و حاکم حل نخواهد شد بلکه ما این مسائل را از طریق روش‌های آموزشی حل خواهیم کرد."

عورا بمناسبت نظرات وی را تکذیب و اعسالم نموده نظرات عورا در مورد حقوق زنان قبلاً در بندهای مختلف برنامه عورای ملی مقاومت اعلام گردیده است. با اینکه منصور فرهنگ از جمله سخنگویان و میلفین عورا در مقاله‌ای مندرج در نشریه ایران شهر شماره ۳۱ مینویسد: " قوانین اسلامی در مورد حقوق زن و مالکیت در اسلام در زمان تدوین پهنرو بوده‌اند ولی امروزه ارتجاعی و ظالمانه‌اند. مجاهدین نسبت به اسلام بیهوشی تکاملی و ترفیخواهانه دارند و در تفسیر معانی آیات قرآن روشی سمبلیک یکبار می‌برند و این تنها تریاره حقوق زن نیست که بر داعت لغوی و انتزاعی از قرآن بر موانع مخبر و قهری می‌نمایند " اما نه تنها اینها ایمن بلکه هیچکدام از مسئولین و حسی هواداران مجاهدین نمی‌گویند که چنین

تکاملی و ترفیخواهانه " در مورد ارت. طاقی، عهود و تفاوت و مضروب کردن و محبوس کردن و ضرورت حجاب و حد زنا و غیره که بارها از آنها در قرآن یاد می‌شود چیست؟ آنها فقط به آیه‌ای از قرآن اشاره میکنند که می‌گوید " عا زن و مرد را از یک سمت واحد خلق کرده در نزد عا امتیاز صرفاً بر مبنای ایمن است و زن و مرد در ایمن و تقوا حقوق مساوی دارند " (نقل از ج. و. زن در سیر رهائی، بعضی زن در قرآن از انتشارات مجاهدین).

ج- آنها که می‌گویند مسئله زن بحثی است کلنیک و همه آنرا ترک می‌کنیم و نه‌ازی به مطالعه خاص و جلسات خاصی ندارد در واقعیه



تفاقی و بی‌اعتنایی خود نسبت به این مسئله سربوس می‌گذارند. چرا که مسائلی نظیر سرمایه‌داری ما مبرها هم مسئله ملی نیز بطور کلنیک بحث و روشن شده است. پس چرا هنوز که هنوز است مورد بحث و مجادله و تحقیق قرار می‌گیرند؟ متاسفانه اغلب کسانی که مدعی هستند مسئله زن را از لحاظ تئوریک فهمیده و ترک کرده‌اند خود در عمل و در برغورد به مسائل مشخص رابطه با زنان عقب‌ماندگی دانش سیاسی و لغفان ترک واقعی را نشان می‌دهند. بصورت رفتار اجتماعی اغلب این افراد مدعی کمونیست بودن (چه مرد و چه زن) هیچ تغییراتی در جهت مبارزه با سن و ارزش‌های ارتجاعی مرد سالزانه و هوونیستی دیده نمی‌شود. و چه بسا رفقای زن و یا مرد که مدعی هستند مسئله زن برای آنها حل شده ولی همچنان رفتارها و وجهه نظرها و برغوردهای سنتی بقیه در صفحه ۲۴



بلند از صفحه ۳۳
مردانه و «مردانه» را آگاهانه و بی-
نا آگاهانه با خود حمل میکنند.

بهر حال مسئله زن نه تنها به صرف
وجود بحث‌های کلیتیک حل نموده است بلکه
اصولاً کلیتیک‌های مارکسیستی نیز در این
زمینه دارای ضعف و کمبود هستند و می‌باید
مباحث و ادبیات مارکسیست-لنینیستی را از
این لحاظ غنا و گسترش بخشد.

در آنها که جنبش مستقل زنان را تحت این
عنوان که جنبش جنبش‌هایی در اروپا و آمریکا
غریبه بورژوازی و بورژوازی است تلقی می‌کنند
با زهم درک سطحی خود را از مسئله زن به
نمایش می‌گذارند. در جواب این عده باید
گفت که اولاً مسئله زن مثل مسئله ملی و
مسئله نژادی خاص کارگران نبوده و طبقات
مختلف را در بر می‌گیرد. اصولاً فشار

برابری زن و مرد که بسیاری از زنان حتی
زنان بورژوا را دور خود جمع می‌کند یک
خواست لیبرال-دمکراتیک و بورژوازیستی
است و خواستی است که بورژوازی در زمان
مترقی و انقلابی بودن خود طرح نمود
و ادعای اجرا و تحقق آنرا نداشت. اما این

حق برابری مانند بسیاری برابری و حقوق
بورژوازی هرگز در جوامع سرمایه‌داری بطور
کامل تحقق نیافت و هر قدر که سرمایه‌داری
به دوران گندیدگی و ارتجاعی خود نزدیکتر
شد رسالت تحقق خواسته‌های جنبشی بورژوا-

دمکراتیک از جمله برابری حقوق زن و مرد در
عهد «طبقه» پیغمرو و مترقی این عصر یعنی
پرولتاریا قرار گرفت. اگر رهبری جنبشی
زنان در آمریکا و اروپا و یا حتی
کشورهای وابسته به امپریالیسم نظیر نیلی
بسی بورژوازی افتاد بخواهد بدلیل برخورد
نا درست و غیر فعال کمونیستها به این

پتانسیل عظیم اجتماعی بوده است.
پرولتاریا و پیغامندگان طبقه کارگر
موظف هستند از جنبش‌های دمکراتیکی که
خواسته‌های طبقات مختلف زنان و با ملیتها
و اقلیت‌های قومی و مذهبی را در بر می‌گیرد
حمایت فعال نمایند و تلاش کنند که در جهت
هنایت و سمت‌دهی این جنبش‌ها به طرف منافع
زحمتکشان و در جهت پیوند زدن آنها بسا

مبارزه طبقاتی گام برنارند.
در اینجا لازم است به اینها اشاره کنیم
آنسوی دیگر جریان قرار دارد نیز برخورد
شده یعنی به گروهانی نظیر مارکسیست
همونیست‌ها و لنینیستها و نهریاتی نظیر
انقلاب و آزادی که عمده‌ترین مسئله خود را

مسائلی نظیر مسئله زن ناستند و همچون
درک طبقاتی از این قضیه را ندارند. آنها
عملاً به نوعی «زن پرستی» و لنینیسم ضد
کمونیستی دچار بوده و در بسیاری مواضع
مواضعی ضد انقلابی گرفته و نفس مسوم و
مغرب در جنبش دمکراتیک زنان بطور اساسی

و جنبش مترقی و کمونیستی بطور عام بهاری
می‌کنند. ما در عین مرزبندی با این گونه
انحرافات و در عین قبول مسئله عامی بنام
مسئله زن که می‌تواند القار و طبقات
مختلف زنان را در بر گیرد معتقد هستیم که
بورژوازی خاصه بورژوازی لیبرال تلقی دارد

با گرفتن رهبری این جنبش‌ها و با استفاده
از پتانسیل اجتماعی و سیاسی زنان و بسا
غمارهای دروغین در زمینه برابری و آزادی
سهر این جنبش را از سهر زحمتکشان و
سوسیالیسم جدا سازد. ما معتقدیم تنها در
صورت پیوند جنبش دمکراتیک با مبارزات
طبقاتی و جنبش ضد امپریالیستی-سوسیالیستی

سرمایه داری است که زنان می‌توانند در
جهت جاه‌مندی بی‌طبقه که شرط لازم و اساسی
رهائی و برابری حقوق آنان با مردان است
حرکت نمایند.

با توجه به موقعیت زنان ایران که
تحت لوای قرون وسطایی نظیر طبقه قلمرو
و قوانین مربوط به خانسواد و ازدواج
و تقویت و احیاء سن ارتجاعی و خصمانه
فئودالی بدست حکومتگران جمهوری اسلامی
عدیته به سیری تهرانی گفانده می‌شود و

با توجه به اینکه این واقعیت از یک طرف
پتانسیل مبارزاتی و مقاومت جوانان را بویژه
در زنان بسیار افزایش داده است و از طرف
دیگر وظیفه زنان و مردان بهمانندگی را در
جهت بسیج تفکلی و سمت‌دهی این مبارزات
سنگین تر و جسی تر از گذشته نموده است
سازمان نانجوسی ما با الهام از مبارزات
زنان زحمتکش و آگاه و تفکلی‌های دمکراتیک

و مترقی زنان در داخل ایران وظیفه خود
می‌دانیم تا در جهت تامین زدن به حرکتی
تفکلی، ترویجی و تفکلی در زمینه
مسئله زن به مثابه یکی از مسائل جنبشی
دمکراتیک- ضد امپریالیستی طبقه‌ای میهنان
القام نماید.

در این رابطه کمیته ویژه زنان
(کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زن) جهت
فعالیت سیستماتیک و مفصل در زمینه جنبشی
دمکراتیک تفکلی و به کار خود ادامه میدهد.
این کمیته وظایف خود را در سه وجه مختلف
دنیال میکند:

۱- تلاش همه جانبه جهت جلب انظار
بهین‌الطلبی نسبت به قوانین و عملکردهای
قرون وسطایی و بنای ارتجاعی رژیم جمهوری
اسلامی علیه زنان ایران.

۲- کمیته زنان تلاش دارد تا از طریق
آموزش و سازماندهی زنان را به سازمانهای
مترقی ایرانی جلب و فعالیت‌های آنان را
گسترش دهد.

۳- کمیته زنان کوشش دارد تا نحوه
برخورد، آگاهی و حساسیت مردان و زنان
قرون سازمان نانجوسی ما را نسبت به
مسئله زنان ارتقا داده و در جهت ایجاد
یک تفکلیات مستقل و دمکراتیک زنان حرکت
نمایند.

در اینجا قابل ذکر است که اگر چه
کمیته فوق‌الذکر در قرون تفکلی هوا ناکار یک
سازمان سیاسی خاص شکل گرفته است و در آغاز
راه حرکت خود را در چهارچوب این تفکلیات
به پیش می‌برد، لیکن سمت گیری آن در جهت
کمک به ایجاد یک تفکلیات دمکراتیک و مستقل
در بین زنان نیاز از هر خارج از کشور است

تفکلیاتی که در عین پیوند با مبارزات طبقه
کارگر و زحمتکشان و سازمانهای بهمانندگی آن
در ایران خود دارای استقلال سیاسی-
تفکلیاتی باشد.
بر همین اساس است که ما از کلیه زنان
و مردان آگاه و متعهد از هر گروه و سازمان
سیاسی مترقی که بمانند دعوت می‌کنیم که
برای ایجاد چنین تفکلی با ما همکاری
نمایند.



شهادت یک دانشجوی انقلابی دیگر در هند

مانده ای چون هند و فیلیپین تلافی دارند با ناخوش و نازهای غیبی با نیرویهای و وحشیانه علیه انقلابیون، صنادی انقلاب، صنادی آزادی، و صنادی افتخاری علیه بیدار دگرها و صفاکی های خمینی را در هر جای دنیا که بتوانند عطف سازند اینکوردلان جاهل با آن مغزهای متحیر و قفسری خود عاجز از درس گیری از تاریخ و نبرک توان نیست حرکت جامعه هستند. این فالانژهای خونخوار به پیروی از آن رهبر دیوسیرتشان میهندارند که به زور سر نیزه، زندان و شکنجه، کشتار و دهمیرا را در دروغ و فریب و عوام فریبی، صحتوران حرکت تاریخ را متوقف نمود و برای همیشه حق را بجز بر سلطه باطل در آورد.

جنبش دانشجویی ایران چه در داخل چه در خارج از کشور همواره بهیما مدک مبارزات ضد ارتجاعی، ضد مبرها لیبستی بوده است. اگر مبارزه دانشجویان مترقی در خارج از کشور هم خود را بر افتخار رژیم منقور به لوی در نظر رجاها نیسان انا نمود، امروز نیز جنبش دانشجویی در خارج استوار و خستگی ناپذیر علیه ارتجاع حاکم بهیما عا شده است.

در زیر عرض کوتاهی از چگونگی شهادت امیر احمد آر به نقل از گزارشی رفقای هواداران سازمان در هند آورده میشود.

در تظاهراتی که «کمیته همبستگی» برای حقوق بشر در ایران» برنامه ریزی کرده بود سازمان دانشجویان ایرانی در هند - بنگلور هواداران سازمان چریکی فغانی خلق ایران و تمام نیروهای مترقی ایرانی مخالف رژیم جمهوری اسلامی و برخی از نیروهای هندی در شهر بنگلور حرکت کردند. انجام اینسان راهمبستگی به لغات اعتراض علیه اختناق سرکوب و کشتار در ایران بود.

در این درگیری يك تن از هواداران سازمان بهکار (جناح انقلابی) به نام عبدالله امیر راهنار در اثر زخم چاقو که ۲ اینچ عمق داشت و کلیه، تن و طحال وی را باره کرده بوده شهید شد و عده زیادی مجروح شدند که از میان آنها ۶ تن از هواداران سازمان چریکی فغانی خلق ایران يك تن از هواداران چریکی فغانی خلق و يك تن از هواداران سازمان بهکار (جناح کمیته مرکزی) و دو تن از هواداران مجاهدین در بیمارستان بستری شدند.



گروهی از تظاهرات ۲۰۰۰ نفری در حیدرآباد

تظاهرات در تاریخ ۸۲/۹/۲۹ در ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر با شمارهایی چون «کمیته اعتدال» کشتار را در ایران متوقف کنیسه و لغات میانهای را رها کنیسه، شروع شد.

در زمانیکه تظاهرکنندگان هنوز بیسی از چند صد متر نهموده بودند بیسی از ۲۰۰ تن از فالانژها که چند دقیقه قبل از شروع تظاهرات با دو اتوبوس وارد محل شده و بهت نیروهای مست راست غیبان مخفی شده بودند از بهت صرف تظاهرکنندگان را مورد حمله قرار دادند. آنها مسلح به چاقو، قمه و زنجیر بودند. همزمان با این حمله تعدادی در حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ تن فالانژ از بهت نیروهای مست جب غیبان شروع به برتاب سنگهای نهنزت کردند.

بدنیال شهادت امیر راهنار، در صبح روز ۸۲/۱۰/۱ تعداد ۲۰ تن از هواداران سازمان چریکی فغانی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در نعلی نو در مقابل وزارت امور خارجه به لغات اعتراض علیه تروریستی های صانرانی رژیم خمینی مرتجع خود را به ستونی زنجیر کردند و با شمارهایی چون «مرکز خمینی ما» خواهان محاکمه قاتلین هستیم، توجه مردم را بسوی خود جلب نمودند. پس از مسخت کوتاهی پلیس آنها را روانه بازداشتگاه و از آنجا به نادگاه برده و بیسی ساعت بعد از ظهر آزاد نمود.

در همین رابطه در بمبئی يك حرکت نمایانی انجام گرفت که مدت ۲ روز بطول انجام شد. در حیدرآباد نیز تظاهراتی با حرکت و همگاری همزار تن از زحمتکشان این شهر برگزار گردید. بقیه در صفحه ۶



گروهی از تظاهرات ۲۰۰۰ نفری در حیدرآباد

بگذا رفرانها ناپه روی نظام ضد لیبستی جنبش دانشجویی - سوتین شهید خود را در خارج از کشور تقدیم زحمتکشان وطن نمایید. بگذا رهون بنیالکناطه طرح میخانی ط، همگرام میرا بنیالکناطه میرا همگرام ها، برهم جنبش رجا عی، ضد مبرها لیبستی دانشجویان در خارج از کشور را گنگوند تم نیصاید. تاریخ با زهم نشان خواهد داد که خون ایمن باک با خستگان را از آزادی و کمونیم، بی شیبی نمی ماند. خون پاک شهیدان ما نشان ایسیریه انقلابی را آبیاری میکند. خلق با رژیم بهای مجبور و جمهوری اسلامی و خمینی ما را بمقتل نیرالکناطه ای که عا ترا اکتند، برتاب همرا هر کرده است.



امتحان اپیدئولوژی یا...

بنده از صفحه ۳۲
رژیم خمینی اجازه ادامه تحصیل آنها را
بدهد. رژیم دانشجویانی را که بخواهند

از ارزش تحصیلی استفاده کنند ملزم به
"موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی" کرده
است. "موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی"
مفهومش ندارد جز سرفروغ آوردن در برابر
سلطه ارتجاعی آنها و سکوت در برابر جنایات
بی سابقه آنها و حمایت از اربابان و قسّه
بدستان در سرکوب انقلابیون و بالخصوص دفاع
از "ولایت فقیه" یعنی فلسفه جویان و گله
و حکومت جهل و نادانی. در يك کلام سهیم
شدن در به قهقرا کشیدن کلبه عشقون افتصادی
اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه کسّه
سرمه داران رژیم جمهوری اسلامی برچمنار آن
هستند. سند فوق نشان میدهد که چگونه
رژیم از نیاز دانشجویان به ارزش تحصیلی
سواستفاده میکند تا عاید از این طریق
عدهای را وادار به تسلیم در مقابل
سیاستهای خود نماید.

با سخ دانشجویان آگاه و متمهّد به
اینگونه عیوه های ارتجاعی روغن است. -
سازمان دادن مبارزه ای هرچه ناطعتر علیه
رژیم و سازندگان اینگونه قوانین ارتجاعی
دانشجویان هرگز نباید در مقابل این
سبه ها تسلیم شوند چرا که نه سرفروغ
آوردن به خواستهای ارتجاعی رژیم بلکه
قدم نهادن در جهت نابودی کل سیستم حاکم
است که عریضت تحصیل دانشجویان همسوی
سایر مسائل از زهر بیخ استبداد السار
گسیخته رها میگردد.

از کلبه دانشجویان متمهّد و مترقی
میخواهیم که با انقاي اینگونه سبه های
رژیم در سطح عام با عیوه های ترور فکری
ملازمان مقابلّه کرده بجای حرکت در امتحان
رنالت رژیم در امتحان مبارزه هرچه ناطع
تر علیه آن حرکت جویند.



مرکز کنگره جمهوری اسلامی ایران
پستبکشد

شماره

تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۱

پست

بسمه تعالی

اطلاع

بسمه تعالی بطور اطلاع دانشجویان که بسمه از ۰۹/۲/۱۰
از ایران خارج شده و قبل از تاریخ ۱۳۰۱/۱۱/۱ وارد دانشگاه
شدند میسراند وزارت فرهنگ و آموزش عالی که امتحان است که
آنان قسط در صورت شرکت و موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی که
تا پایان سال جاری هر دو هفته یکبار انجام میگردد میتواند از مزایای
ارز تحصیل استفاده نمایند. در هر حال اینگونه دانشجویان گمان میکنند
از مزایای خرج تحصیل استفاده نکنند.

مرکز کنگره جمهوری اسلامی ایران

پستبکشد

لیست پیامهای رسیده به دومین کنگره سرتاسری

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
وادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

- ۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲- کمیته برای فلسطین دموکراتیک
- ۳- کمیته همبستگی فارابونندو مارتی (نیویورک) عضو کارا سالوادور
- ۴- اتحادیه دموکراتیک فیلیپینها
- ۵- حزب انقلابی تمام خلق افریقا
- ۶- انجمن همبستگی آمریکای لاتین و جزایر کارائیب
- ۷- جنبش آزادی ملی جورتوریکو ()
- ۸- هواداران راه انقلابی ترکیه
- ۹- اتحادیه کارگران انقلابی در ایالات متحده
- ۱۰- حزب کارگران کمونیست در ایالات متحده
- ۱۱- کمیته همبستگی با خلق با سالوادور (ا وگلد، سانفرانسیسکو و برکلی)
- ۱۲- مانتلی رویو
- ۱۳- کمیسیون بین المللی
- ۱۴- هفته نامه گاردین
- ۱۵- نیروهای مترقی فلسطین در ایالات متحده (میامی)
- ۱۶- اتحادیه دانشجویان فلسطین (رالی)
- ۱۷- گروه تحقیقی مارکیست - لنینیست (میامی)
- ۱۸- کمیته همبستگی فارابونندو مارتی (لوس آنجلس) عضو کارا سالوادور
- ۱۹- خانه خیلی (casa chile)
- ۲۰- مرکز فرهنگی و خیری گواتمالا
- ۲۱- اتحادیه دانشجویان کرد (فلورینا)
- ۲۲- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (هوادار حیفخا)
- ۲۳- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا (هوادار حیفخا)
- ۲۴- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان (هوادار حیفخا)



مروزی بر جمعیت‌های رفیق‌گزینی

بقیه از صفحه ۱۰

دو زمینه قابل بحث است یکی سیستم تولیدی در روستا در مرحله گذار و دیگری کیفیت استثمار بورژوازی در مرحله گذار. وی میگوید قبل از رفیرم ارضی نزدیک به ۳۰٪ اراضی زیر کشت در ایران در دست خرده مالکان بود و پس از رفیرم ارضی در قلمرو روستائی ایران هنوز تولید سرمایه ناری نرمد کوچکی از جمعیت روستائی را در بر میگردد و از طرف دیگر رفیرم ارضی نزدیک به دو میلیون خانسوار خرده مالک بوجود آورد و بدین ترتیب در قلمرو غیر سرمایه ناری کثرتی ایسران نو قشر وسیع وجود یارند خرده مالکان (اعم از قدیم و جدید) و دهقانان فقیر بی زمین (خوش نشین) - ولی خرده مالکان وسیع ترین قشر دهقانان ایران به شمار میروند. موقعیت خرده مالکان در چهار قشر بشکل زیر تفریح میشود:

۱- قشر اول دهقانان یا کثرت‌وزان مرفه که زمین زیاد دارند و خود آنها روی زمین کار نمیکند و زمین خود را از طریق اجاره مطلق اداره میکنند و در بعضی موارد این مالکین کوچک دهقانان فقیر را اجیر میکنند اینها مرفه ترین قشر خرده مالکان هستند و اغلب آنها مالکیت کوچک قبیل از رفیرم ارضی بشمار میروند.

۲- قشر دوم یا تین تر از قشر اول و آن عده از خرده مالکان هستند که خود و خانواده شان روی زمین کار میکنند و در عین حال وسعت اراضی شان به آنها اجازه میدهد تا از نیروی کار خانواده فقیر دیگری نیز استفاده کنند در اینجا سیستم تولید خانوادگی با استثمار محدود دیگران ترکیب میشود.

۳- قشر سوم بعضی وسیعی از خرده مالکان جدید هستند که تنها از طریق تولید خانوادگی اراضی خود را کشت میکنند.

۴- و بالاخره قشر چهارم خرده مالکانی هستند که کوچکی زمین تقسیم شده شان کفاف زندگی خانوادگی را نمیدهد و یا قادر به استفاده از زمین خود نیستند و ناچارند زمین خود را در اختیار دیگری قرار دهند و یا علاوه بر کار روی زمین خود با کار روزمزد یا فصلی روی اراضی دیگران زندگی خود را تأمین کنند.

از میان این چهار قشر از نظر جزئی انقشار دوم و سوم اکثریت خرده مالکان را تشکیل میدهند یعنی این نو قشر مجموعاً وسیع ترین انقشار دهقانان ایران

را تشکیل می دهند. بقا بر این از دیدگاه جزئی آنچه که با الفا فئودالیم در سطح

وسیعی از قلمرو فئودالها جانشین عسده همین سیستم خرده مالکی و تولید خانوادگی

است. وی عقیده دارد که برای هجوم سرمایه ناری به سیستم تولید خانوادگی و مالکیت کوچک ارضی يك فرصت طولانی ضروری است. این مرحله گذار يك دوره کوتاه نخواهد بود. او در این بحث دو واقعت را میبیند. یکی اینکه دهقانان ایران اکنون عمدتاً از خرده مالکان و هم دهقانان فقیر و بی زمین تشکیل شده اند و با الفا فئودالیم وحدت طبقاتی خود را از دست داده اند و تبدیل به يك نیمه طبقه شده اند. واقعت دیگر این است که دهقانان با استثمار بورژوازی روبه رو هستند. آنها تضادی ساده (فئودال - دهقان) را از دست داده و در برابر تضادی پیچیده قرار گرفته اند. بدین معنی که رفیرم نیازها و خواسته های این قشر را افزایش داده در حالیکه نتوانست تطبیح زندگی آنها را متناسب با این خواسته ها افزایش دهد. آنها در حالی که با استثمار غیر مستقیم و ناآشکاری روبه رو هستند یعنی دیگر ارباب و مباحر او را با لاسر خود نمی بینند ولی احساس میکنند که از هر طرف و به وسائلی نامرئی غارت میشوند.

رفیق جزئی آنگاه کیفیت استثمار بورژوازی در این مرحله را به شکل زیر تشریح میکند. استثمار بورژوازی جانشین استثمار فئودال - بورژواها شده است. بدین معنی که بسا الفا فئودالیم، زمینه برای رشد استثمار بورژوائی فراهم آمده و استثمار خارجی نیز از طریق بورژوازی کمپرادو بطور غیر مستقیم بر دوش دهقانان گذارده شده است او میگوید که این استثمار در دو مرحله تولید و مبادله از جانب قشر های مختلف بورژوازی کمپرادو انجام می پذیرد و به تفریح آن میپردازد.

چهارمین صلت عسده سرمایه ناری وابسته ایران است. شکل گرفتن جامعه اقلیت مصرف کننده بمثابه مکمل سیستم اقتصادی و بایگه فرهنگی - استثمار نو:

رفیق جزئی با شروع این اصل از نگری مادی از تاریخ که در هر سیستم تولیدی و در هر فراسوی اجتماعی - اقتصادی طبقاتی و بعضی کوچکی از کل جمعیت سهمی از تولید را بعود اختصاص میدهد مطرح میکند که در سیستم سرمایه ناری وابسته بعضی کوچکی (۳٪ در برابر کل جمعیت) جامعه ای را بصورت يك اقلیت مرکب از بورژوازی بزرگ و کوچک

و قشر مرفه خرده بورژوازی تشکیل میدهند. وی آنها را بدین صورت برمی شمارد:

سرمایه داران بزرگ و قشر بالایی دستگاه اداری و نظامی سرمایه داران کوچک و کارمندان و متخصصین عالیرتبه بخش دولتی و خصوصی و قشر اداری دستگاه منتهی صاحبان مشاغل آزاد و پیر درآمد مثل پزشکان و حقوق دانان و واسطه های تجارت و هنرمندان و نویسندگان.

ویژگیهای این جامعه این است که میزان مصرف (چه مستقیم از قبیل درآمد مصرفی خانواده و چه غیر مستقیم از قبیل استفاده از تأسیسات و امکانات کشور) این جامعه نسبت به قشرهای میانی بسیار بالاست و نوع مصرف آنهاهم بدین است که نتیجه طبیعی رشد سرمایه ناری وابسته است. جزئی با مراجعه به آمار میگوید این جامعه بهی از ۳۰٪ کل درآمد ملی کشور را مصرف میکند و این صرف نظر از استثمار تراکم یافته تر آنها بصورت سرمایه است از سوی دیگر بر اثر شرایط مادی زندگی خود این جامعه از نظر شرایط معنوی و فکری نیز ناری فرهنگ و بهره ای است جزئی میگوید فرهنگ این جامعه ترکیب نامتجانسی است از فرهنگ حاکم متروپول و با زمانه فرهنگ فئودالها و بورژواهای بومی و آنرا فرهنگ بورژوازی کمپرادو مینامند. جزئی نقی این جامعه را در بخش اقتصادی تکمیل کننده سیستم میبیند. حلقه ای برای تولید صنعتی وابسته و واردات کالاهای پیچیده.

خارجی. ضرورت موجودیت این جامعه را وی اینطور بیان میکند که اساساً حیات سیستم سرمایه ناری وابسته از نظر اقتصادی در گرو موجودیت اقشاری از جامعه است که مازاد بر مصرف زیست خود درآمد ناگفته باشند تا به معارف دیگر برسانند که در غیر این صورت یعنی با به اصطلاح توزیع عادلانه ثروت، سیستم سرمایه ناری وابسته قادر به ادامه حیات نخواهد بود. جزئی نقی اجتماعی سیاسی این جامعه را نیز معرفی میکند. او میگوید که فرهنگ نو استماری در این جامعه نفوذ میکند و این جامعه را از بعضی اکثریت مردم جدا میکند و بدین ترتیب مسائل این جامعه از مسائل قاطبه مردم جدا میشود. این جامعه اساساً دیگر توده های وطن خود را نمی شناسد و به اصطلاح با امواج جوامع متروپول به حرکت در می آید. بهی بیسی جزئی این است که بعضی قابل توجهی از این جامعه نه در کوتاه مدت، بلکه در يك مدت طولانی زمینه این را دارد که بمثابه بایگه سیاسی رژیم عمل کند. از سوی دیگر روی دیگر مسئله را جزئی میبیند: این بقیه در صفحه ۲۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دگرایی جدا نیست



پ پیام

بهین منظور وسیع ترین تبلیغات را همراه با وحدتانه ترین شیوه های سرکوب علیه خلق ما و فرزندان انقلابی آن با لخص سازمان ما که در پی افتا گریه های بیامان خود در منطقه توطئه های رژیم را یکی پس از دیگری غنشی می سازده بکار میگیرد. ارتجاع حاکم نه میخواهد و نه میتواند درک کند که پیوندهای ناگسستی خلق ستمیده کرد و آذری به تاریخ مبارزات خونین و پر شکوه آنها بر میگردد که در پی اهداف مشترک توده های محروم دو خلق برادر در چهار چوب مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران و با پشتوانه ده ها سال مبارزه مشترک در میدان نبرد - های حماسه آفرین بر علیه ظلم و استثمار و ستم ملی در خون ده ها هزار شهید بخون خفته منجلی میگردد آری بیمان برانری گستاخ پذیر خلقهای کرد و آذری با خون هزاران انسان آزاده و انقلابی کسه در سخت ترین شرایط حاکمیت دیکتاتورها برچم مبارزه از از زاگرس تا سیلان به اهتزاز در آورده اند نوشته شده است امروز فرزندان انقلابی خلق آذربایجان در زیر ستم شدید ترین فتنه های دیکتاتوری و در - کارخانجات، محلات و روستاها در صفوف بهم فشرده سازمان ما ضمن پیشبرد وظائف مبارزاتی خود فدائی وار و جان بر کف اخبار جنبش مقاومت کربستان را شهر به شهر روستا به روستا و کوجه به کوجه بگوش توده های محروم می رسانند و در - این راه ضربات متعدده زندان، شکنجه و شهادت نتوانسته است خللی در عزم راسخ

و اراده پولادین ما بوجود آورد. و عدم شرکت توده های آذربایجان در تظاهرات و میتینگهای فرمایشی رژیم علیه جنبش مقاومت خلق کرد و همکاری صمیمانه اهالی شهرها و روستاهای هم مرز کربستان با بهشمرگه های انقلابی خود بهترین گسواه درک عمیق همبستگی و همدردی خلق قهرمان آذربایجان با توده های زحمتکش کربستان محسوب میگردد که تا حد زیادی نتیجه مبارزات بی گهر و افتا گریه های بیامان سازمان ما علیه رژیم حاکم است.

رفقا و دوستان، بهشمرگه های انقلابی:

ما بخود می بالیم که رفقای سازمان ما در کربستان، بطیرغم حیانت انفعالیون اکثریت نزدیک به چهار سال است که با شجاعت کم نظیر و ایمانی استوار دوش بدوش خلق قهرمان کرده مبارزه علیه رژیم حاکم ادامه داده اند و این جزئی از وظیفه انقلابی سازمان ما بعنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست سراسری محسوب میشود که در جهت تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و رسیدن بیک دموکراسی بی گهر و پایدار که در آن حق تعیین سرنوشت ملل از جمله خلق کرد بعنوان - یک عامل مسلم برسمیت شناخته خواهد شد مبارزه میکند.

ما یکبار دیگر ضمن ستایش از مبارزات پر خور و بی وقفه خلق کرد در امر اجرای سیاست سازمان مبتنی بر اتحاد و همکاری همه نیروهای انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی از سازمانها

و احزاب انقلابی کربستان دعوت میکنیم تا بمنظور ایجاد یک جبهه واحد توده ای در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق حمول برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در آن حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیت های تحت ستم ایران با صراحت تمام برسمیت شناخته شده است متحد شوند. بگذار از اتحاد عمل ما نمانسی - امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا رژیم غمینی جلا و تمام مرتجعین بزخسود بپرزند.

اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی سازمان پیروزی خلقهای ایران و عامل شکست دشمنان خلق است.

- هرچه مستحکم تر باد پیوند مبارزاتی خلقهای تحت ستم ایران
- هر چه مستحکم تر باد پیوند مبارزاتی خلقهای کرد و آذربایجان
- پیروز باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران
- مرگ بر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی
- برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
- زنده باد بهشمرگه های قهرمان خلق کرد

سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران - آذربایجان

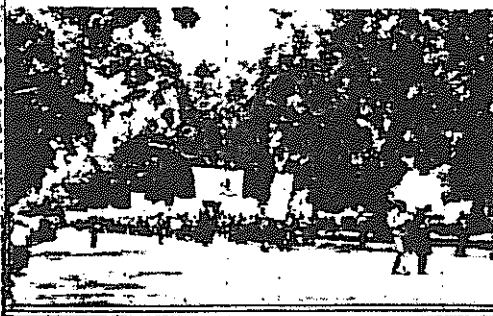
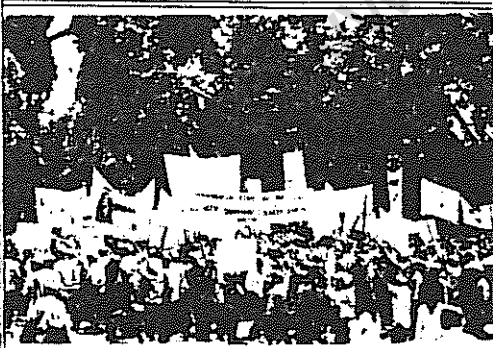
۶۶/۵/۲۸

سخنه ها ئی از تظاهرات رفقای هوا یا ارونا ننجویان مبارز در مقابل سفارت رژیم چنا بتکا جمهوری اسلامی در هوند.

اخبار اقتصادی

یکی از فرستادگان (نمایندگان) - مخصوص خمینی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که ایران بر آنست قرارداد خرید زیر دریایی از یک کارخانه کشتی سازی آلمانی را کسه بعد از سقوط شاه ملفی اعلام گردید از سر بگیرد. مادی طباطبائی نماینده خمینی طی مصاحبه ای با اشپیگل گفت که مذاکرات سیاسی به قصد احیای روابط تجاری بسرای خرید ۶ زیر دریایی صورت گرفته است. دولت شاه سفارش خرید این زیر دریایی ها را که هزینه آنها تعداد ۲۹۲/۱ میلیون دلار - است به کارخانه Howaldswerke Deutsche Werft که یکی از کارخانه های بزرگ کشتی سازی واقع در Kiel است داده بود.

حسین کاظم بیور اردبیلی معاون - وزارت امور خارجه در ۴ سورا اقتصادی و بین المللی طی مصاحبه ای گفت از کل واردات کالاهای مختلف به ایران ۶۷٪ از غرب، ۲۴٪ از بلوک شرقی و ۱۸٪ از نیز از کشورهای تچان سوم و اسلامی تامین میگردد. مجله "میدل ایستچاپ لندن نوشت که طی مذاکراتی که بدست آمده، رژیم جمهوری اسلامی نفت از ژان به اسرائیل فروخته است. این خبر مورد تأیید کمپانی مارونیت در بهروت و کمیانی شل در ایتالیا قرار گرفت. رژیم سووان اعلام کرد که بیه عراقی در جدگ با رژیم جمهوری اسلامی کمک مینماید و سرایان خود را به جبهه های جنگ اعزام مینماید.





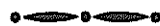
میشنویم که نهی خواهی دیگر با ما کار کنی

میشنویم: که نمیخواهی دیگر با ما کار کنی
تو مضمحل و دیگر نمیتوانی فعالیت کنی
تو بسیار خسته‌ای دیگر نمیتوانی بیاموزی
از دست رفتن‌های
نمیتوان از تو انتظار داشت که هنوز کاری
انجام دهی

بی‌بشسو
چه مقرر باشی و چه نباشی
اگر نتوانی مبارزه کنی از بین خواهی رفت
* * *
میگویی
مدت درازی امید بسته بودی دیگر نمیتوانی
امیدوار باشی

به چه امید بسته بودی
که مبارزه ساده است؟
اینچنین نیست
وضع ما مشکلتر از آنست که تو پنداشتت
وضع چنین است
اگر ما نتوانیم با قدرت فوق‌بمیری عمل
کنیم
از دست میرویم
اگر نتوانیم آنچنان کنیم که هیچکس
نمیتواند حتی از ما انتظار آنرا
ناشته باشد

نا بود میگویم
دشمنان ما انتظار میکنند
که خسته شویم
هنگام شدیدترین حد نبرد
رزمندگان از همیشه خسته‌ترند
آن رزمندگانی که بیفتند خسته‌اند
بازندگان صحنه نبرند
برشت

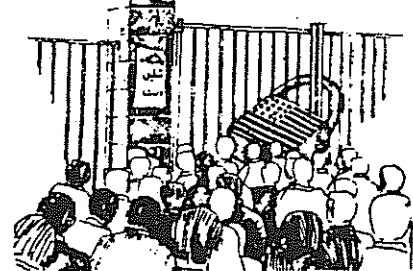


پس بدان
ما از تو انتظار داریم
* * *
وقتی که خسته‌ای و بخواب میروی
هیچکس بیدارت نمیکند و نمیگوید
پرخیز غذا آماده است
چرا باید غذا آماده باشد؟
اگر نتوانی فعالیت کنی
براز کنی باقی خواهی ماند
هیچکس به جستجویت نخواهد پرداخت که
انقلاب‌عده است
بگوید
کارخانه‌ها انتظار ترا میکنند
چرا باید انقلاب‌عده باشد؟
اگر مردی آنان بباکت میسپزند
چه مقرر باشی بر حرکت و چه نباشی
* * *
میگویی مدت درازی
مبارزه کرده‌ای دیگر نمیتوانی
مبارزه کنی

ارتجاع را در هم نوشت
اما غاصبان قیام به تذکوه خلق
ستاوردنهای قیام را به چهار میخ کشیدند
ستاد را بستند ستاد رزمنده خلق را
و فدائیان و دانشجویان را همراه با
مبارزان دیگر به چوبه‌های اعدا سپردند
تذکر بر تو باد بنی صدر که در خدمت
ارتجاع مبارزات دانشجویان را بگاغ و خون
نشانندی و با "انقلاب فرهنگی" ات‌سنگس
آزادی را به بند کشیدی اما آن جمهوری
اسلامی که سنگس را هیا هوکثان بسینه میزنی
و تولدش را با بستن دانشگاه نوید دادی
جنبشی است که در زندان مرده است
مرگ بر تو باد خمینی که در جلادی
سلاخی جوانان میهن گوی سبقت را از
دینکنا ورهای خونخواری چون محمد رضا پهلوی
ر بودی و تحجره قهرت و مکتب‌خانه‌های
قرون وسطانی را بجای دانشگاه‌ها نشانندی
و جوانان را از عرصه نبرد واقعی با
امیریا لیس، ارتجاع ماستثمار و عقب
ماندگی به جبهه‌های جنگ‌بی حاصل و
خانمانوز با عراق از سوئی و جنگ
برادر کشی علیه خلق تعدیده کرده از
سوی دیگر، کثاندی

مرگ بر تو و تمام همپالگی‌های
مرتجعت که بجای کشودن در دانشگاه‌ها و
سنایس بر روی فرزندان زحمتکشان زندان‌ها
سه ساخته را از دانشجویان دانش‌آموزان
و هزاران مرد و زن مبارز و زحمتکش ملو
کرده ای
مرگ بر تو و جمهوری سیاه اسلامیت
باد تاریخ ترا نیز در همان زیاده‌دانی
که شاه را افکنده جای خواهد داد و
جمهوری دموکراتیک‌توده‌ها را بر خرابه
های ولایت فقیه برپا خواهد کرد!

یورش به دانشگاهها



انقلابی میهنان بوده‌ها نرهم آنر
نیز سرآغازی بر جنبش یا بدار دانشجویی
است و راستی که این دو چه همگون و
هم آرمان با هم نر آمیختند و دقتی
نویس در فرهنگ‌نستوه ستیز خلقها پیمان
گودند
در آستان قیام فریاد خونین سازمان
از حجره زخمین دانشگاه برخاست و
فلات منقلب را به مبارزه‌ای خونین تر
فراخواند همه روزهای دانشجویان و
دانی آموزان شانزدهم آنر عد و سیزدهم
آبان از خون قندی هزاران قندی دیگر
روئید از هر تبسم رضوی هزاران رضوی
جوانه زد و از هر تنفس بزرگ‌نیا هزاران
هزار بزرگ‌نیا برآمد و اینه رستاخیز
خلق را هر چه بیشتر توان بختید تا تومار

آبان سیه‌تین ... بقیه از صفد ۲۲
دوبمان حریق و از خاندان استوار
آزادی رزمندگانی از نسل انسان که
گامی در فلسطین نارتد و گامی دیگر
در السالوادور و نیضان در کرکستان
می‌تهد رزمندگانی که بهار و برابری
را نوید میدادند و با پرویت و استعمار
بی ستم‌بندند
آنان به تن بودند و با آمسزه‌ی
غون سنگر آزادی را خشتی استوار نهادند
و بروزگاران بر آن خشت‌نری دکوه‌مند
پدید آمد که با الیز پهلوی زدند
هر خاطرهای انقلاب و مبارزه‌ی خلق ایران
نقشهای ماندگار بسیار است اما نقش
آذر از ماندگارترینان است اگر
رستاخیز سهاکل دیباچه ای بر جنبشی



اشیاء بین المللی سالوادور

در يك جمله* بی سابقه و گسترده
چریک‌های انقلابی سالوادور به سر
لانیولتاژ در ۵۰ مایلی سن سالوادور به
تصرف آنها درآمد. در این حمله ۱۰۰ تن
از مزدوران دشمن کشته شدند و بیشک
بادگان به اغفال چریک‌ها در آمد. به
دنبال این حمله چریک‌ها سه شهر دیگر در
منطقه* مورازان و سه شهر را در منطقه*
چاتانوکا به تصرف خود درآوردند و بدین
ترتیب ۲ شهر سالوادور به اغسال
چریک‌های انقلابی در آمده است

راهپوی صدای چریک‌ها اعلام کرد که
در درگیری‌های اخیر ۳۱۲ تن از مزدوران
دشمن کشته و ۱۰۷ تن از آنان با سارت
چریک‌ها درآمدند.

۱۵ تن از رهبران سازمان‌های
انقلابی و اتحادیه های کارگری
سالوادور توسط نیروهای امنیتی آن
کشور ربوده شدند. منابع FPMR اعلام
کردند که جمعا ۲۰ شهر شمالی سالوادور
به تصرف آنان در آمده است.

گواتمالا

امنیتی اینترنشنال اعلام کرد که از
ماه مارس یعنی از زمان روی کار آمدن
رژیم نظامی و وابسته بآمریکای زرنرال
اوا این رهوز سونته در گواتمالا تاکنون
بیش از ۲۱۰۰ تن از روستائیان که اغلب
آنان را کودکان و زنان تشکیل میداده اند
توسط نیروهای ارتش و امنیتی بطور دسته-
جمعی و با انفرادی به قتل رسیده اند.
همین سازمان اعلام کرد که ۱۱۲ مورد کشته
شدن در اثر شکنجه گزارش شده است.

چریک‌های انقلابی گواتمالا در يك
حمله* وسیع به يك مقر ارتش مزدور و -
وابسته گواتمالا ۱۶ تن از افراد دشمن
را کشتند و خواهر زاده رئیس جمهوری را
که در شکنجه و کشتار روستائیان نقش
بسیزانی داشت زینودند.

بدنبال اوج گیری مبارزات مردم و

اطلاعه اندچمن .. بنده از صفحه ۲۳

با توجه به موقعیت ویژه پاکستان (نزدیکی و سهل العبور بودن مرز و بهره) از این فاعده
ستلنی نبوده و نیست . علاوه بر کسانیکه روزانه از پاکستان به دیگر کشورهای سرمایه داری
سراحت می نمایند . تعداد کثیری نیز در پاکستان ماندگار شده اند و به سازمان ملل متحد پناهنده
گفته اند . البته دولت پاکستان (با توجه به روابط نزدیک و دوستانه ای با رژیم) پناهندگی
رسمی به آنها نداده است . ولی تحت فشار سازمان ملل متحد مجبور به پذیرش آنها بدون ایجاد
بردر برای دولت نظامی پاکستان (که منظور همان منغ فعالیت های سیاسی و اجتماعی و عدم
نمایت از آنها در مقابل سفارت و نمایندگیهای ایران و نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی
از جمله گروهی از غییبیان پاکستانی و دیگر دارو دسته های اجر شده رژیم مانند فالترها و
نیر می باشد) گفته است .

سازمان ملل نیز در مورد پناهندگان ایرانی فقط به دادن مبلغی حدود ۶۰ دلار ماهانه
سند کرده و هیچگونه اقدام دیگری ننموده است . به دنبال این بی اعتنایی نمایندگی سازمان
ملل در خواستی با الحاق ۶ خواسته مقدماتی و فوری با امضای کلیه پناهندگان ایرانی (۱۳۶
نفر) در کراچی تحویل نماینده سازمان گفت و بدنبال آن نیز نماینده پناهندگان ایرانی برای
گفتگو با نماینده عالی سازمان ملل متحد در پاکستان به اسلام آباد رفت ولی خالی برگشت .
نیز نماینده عالی سازمان ملل متحد در پاکستان رسیدگی به خواستهها را در درجه اول میوکول
به تصمیم دولت نظامی آمریکا پاکستان و درجه دوم تعیین تکلیف از ژنو نمود .

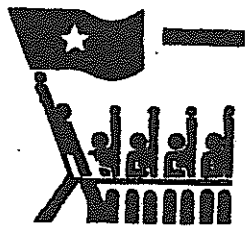
با توجه به این مسئله که اگر سازمان ملل متحد نتواند امکانات زندگی برای پناهندگان
در اینجا فراهم نماید . بسیاری از آنان مجبورند که به ایران برگردند که در آنجا نیز
مسلم سرنوشتی بجز جوش آمدن در انتظار همان نخواهد بود و این ضربه ای بس بزرگ به جنبش و
مبارزات توده ها خواهد بود .

انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی در کراچی بمنوان نهادهای دموکراتیک که از دل
مبارزات توده ها در ایران بیرون آمده و در عرض پنج سال سابقه مبارزاتی نمیتوانستند و
نمیتوانند از مبارزات توده ها در داخل کشور جدا باشد همواره از حقوق غصب شده توده های
محروم چه در زمان رژیم منحوس پهلوی و چه در این رژیم جنایتکار و جلاذ دفاع کرده و دفاع
میکند . وظیفه انقلابی خویش می داند تا در جهت پیگیری امر مبارزه خلقهای ایران و افغانی
رژیم خونخوار جمهوری اسلامی و کمک به پناهندگان انقلابی ایران دمی از پای نایستاده و مدای
مبارزات مردم ایران را در راه رسیدن به جمهوری دموکراتیک خلقی به کوششهای تیان برساند .

دستان دانشجو ، رفقا و هموطنان مبارز

از شما تقاضا می کنیم که به هر نحو ممکن نمایندگی سازمان ملل متحد در پاکستان را
مجبور به تامین امکانات رفاهی و دادن پناهندگی رسمی سیاسی به آوارگان ایرانی نموده و
با در این امر یاری نمائید .
با گرمترین درودهای انقلابی

مرکز بر امپریالیزم امریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و پایه گاه داخلی
مخبر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق ایران
درود بر عهدای بیخون خفته غلغ
هر چه مستحکم تر باد اتحاد نیروهای انقلابی و
مترقی



انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی - کراچی - پاکستان

نیروهای انقلابی در گواتمالا مست
حکومت نظامی در آن کشور تمهید عد
اکوادور
بدنبال تظاهرات گسترده و
اعتراضات عمومی توسط اتحادیه های
کارگری اکوادور حالت فوق العاده
در آن کشور برقرار و کلیه مدارس
و دانشگاهها تعطیل شدند . بقیه در صفحه



توضیح هیئت تحریریه سابق نشریه جهان

از انتشار آخرین شماره نشریه "جهان" (شماره ۶) چند ماه میگذرد. طی این مدت بسیاری از هواداران سازمان و خوانندگان نشریه جوایب علت تأخیر در انتشار آن عده اند لذا لازم دیدیم که توضیح مختصری در این رابطه بدهیم. "جهان" بجزورت نشریه‌ای ماهانه آغاز بکار کرد اما در عمل قادر نشد که چنین باشد. مشکلات تکنیکی و عدم وجود امکانات لازم سبب گردید که انتشار آن از هر شماره بشماره بعد طولانی تر گردد تا بجا نماند. انتشار شماره ۳ تا شماره حاضر از چند ماه نیز فراتر رفت. قبلاً مسئولیت انتشار "جهان" (بعنوان نشریه هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در اروپا

و آمریکا) بعهده رفقای هوادار در فرانسه بود. تا اینکه چند ماه قبل بهمنهاد شد که انتشار "جهان" بعهده رفقای هوادار در آمریکا گذاشته شود. این بهمنهاد هیئت تحریریه سابق نشریه "جهان" مورد تأیید و تصویب دومین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی هوادار در آمریکا قرار گرفت. لیکن امر انتقال انتشار نشریه از فرانسه به آمریکا با توجه به مشکلات جدیدی که پیش آمده بود بیش از حد انتظار بطول انجامید. امید است که رفقای هیئت تحریریه جدید نشریه جهان با همت و مهارت دیگری رفقای هوادار در کشورهای مختلف بتوانند با رفع مشکلات جاری، انتشار منظم آنرا عملی سازند.

امتحان آید شلوژی بیا امتحان رذالت

همگان با عموهای سرکوبگر یا نه رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی آشنا هستید. رژیم‌سوی که بقای خود را بر افزایش سرکوبها و اختناق بنا نهاده است رژیم خاموش کردن صدای اعتراض دانشجویان مترقی در خارج کشور علیه جنایات بی سابقه خوده او با عیان قناره‌بند و موجب گهر حزب الهی را تحت پوشش‌های دیپلماتیک و غیره از طریق سفارتخانه و کنسولگری‌ها بی‌خارج گهیل میکند تا کسانی را که حاضر به حمایت با حکومت در مقابل جنایاتش نشده اند را با عیبوه‌های رنبلانته "براه راست‌هدایت" نمایند. جنای کفی و قناره بندی تنها عیبوه رژیم در "هدایت" افراد معترض و مخالف نبوده و نیست از آزار بستگان افراد مبارز در ایران گرفته تا عدم تمهید با سهورت و ترور دانشجویان انقلابی عیبوه‌های رایج رژیم در "هدایت" دانشجویان بوده است.

اخبار رژیم انقلاب فرهنگی‌اش را به خارج از کشور نیز بسط داده خواستار آن شده است که تنها دانشجویانی حق استفاده از ارز دانشجویی برای ادامه تحصیل دارند که به جز آموختن مسائل و مطالب علمی تعالیم اسلامی را نیز فرا بگیرند و بپذیرند. از این پس کافی نیست که دانشجویان در رشته خود تخصص یابند، باید نحوه طهارت و احکام نجاسات و بیطلاات روزه و نماز را نیز فراگیرند تا

آنان سیه تن بودند از خودمان حریق

آذره با افتزاز برگهای خونینش، عزیمت با تیز را بدرود می گفت، و بوی خواب زمستانی شهر را سوسه میکرد. آنان سه تن بودند، زمندگانی از بقیه در صفحه ۳۰

اطلاعیه انجمن دانشجویان و دانش آموزان کراچی پاکستان
انجمن دانش آموزان و دانشجویان ایرانی کراچی پاکستان
تاریخ: ۱۹۸۲
شماره: ۱۱
برگه: ۱

دوستان دانشجویی رفقا همسران مبارز کشورمان اکنون لحظات حساسی را میگذرانند. تعاس به این خاطر که در مقابل وحشیگریهای ویکتاتوری عربان و لجام کبیخته جمهوری اسلامی مبارزات خلقهای ایران هر روز دامنه وسیعتری مییابد و در کنار مبارزات سایر زحمتکشان طبقه کارگر ایران نیز هر روز آگاهی و تجارب بیشتری کسب کرده و برای سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا خود را متعکل و یکپارچه مینماید.

رفقا! دوستان مبارز و انقلابی رژیم جمهوری اسلامی کارگران و زحمتکشان و سازمانها و نیروهای انقلابی و مبارز وابسته به آنان را تحت شدیدترین سرکوب و اختناق قرار داده است و هر روز چندین نفر از انقلابیون که هدفی جز دفاع از منافع توده‌ها ندارند به جوغه اعدام می‌سیرد. تاکنون به بسیاری از سازمانهای انقلابی ضربه‌های مهلک و کفنده‌ای زده است ولی این تشکیلات منسجم و فولادی آنها بوده است که تاکنون توانسته‌اند در مقابل ضربات رژیم مقاومت کنند و همچنان به فعالیتهای انقلابی خود درون توده‌ها ادامه دهند.

مسائلی از قبیل ضربه خوردن سازمانها و قطع ارتباطات سازمانی و بیسیاسی عوامل دیگر باعث خارج شدن تعداد کثیری از هواداران سازمانهای انقلابی و نیروهای آزادیخواه و دمکرات از کشور و پناهنده شدن آنها به کشورهای خارجی گفته‌اند.

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:
JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده‌ها